

به آدمکشی پایان دهید!

مردم صلح می خواهند!

● جنگ افروزی توسعه طلبانه و کشتار مردم بیگناه هم حاکمیت ج.ا.را از بن بست سیاسی و نظامی نجات نخواهد داد!

هفته گذشته به دنبال جنجال تبلیغاتی سران ج.ا. در باره "یکسره کردن کار جنگ" سرانجام جنگ خانمانسوز ایران و عراق وارد مرحله تازه‌ای شد. حکومت عراق به بهانه پیش گیری از حمله نظامی ایران، بار دیگر شهرهای بی دفاع کشور ما را بمباران کرد. سران ج.ا. نیز به تهدیدهای اخیر خود جامعه عمل پشاندند و مردم بیگناه شهرهای مرزی عراق را آماج گلوله باران توپخانه‌های خود قرار دادند. رئیس جمهور خائنه‌ای تهدید کرد که ایران، نه تنها شهرهای مرزی، بلکه دیگر شهرهای عراق، از جمله بغداد را نیز بمباران خواهد کرد.

تحولات اخیر را از زوایای مختلف می‌توان بررسی کرد. تأسف آن است که رهبران ج.ا. سربازان و رزمندگان شرافتمند ایران را وادار ساخته‌اند برای نخستین بار در تاریخ سه سال و چند ماهه جنگ، دست خود را به خون زنان و کودکان و پیرمردان ملت برادر عراق بیالایند. صدها کیلومتر مرز مشترک دو کشور، اینک از دو سو صحنه آدم کشی سفاکانه‌ایست که قلب هر انسان آزاده‌ای را به درد می‌آورد و نفرت هر ایرانی میهن دوستی را برمی‌انگیزد.

مردم ما به یاد دارند که در ماه‌های نخست جنگ، هنگامی که بخش بزرگی از خاک میهن ما در اشغال دشمن تحریک شده به وسیله امپریالیسم آمریکا بود، رزمندگان ما از چنان بزرگتری اخلاقی نسبت به دشمن برخوردار بودند که زیر شدیدترین فشارهای نظامی از دست زدن به چنین جنایاتی پرهیز می‌کردند.

در آن زمان جنگ، مصلحت‌رهای بخش داشت و پایداری در چنین مبارزاتی برای رزمندگان ما، خود به خود تعالی اخلاقی به همراه می‌آورد.

اما با فشاری چنین آمیز سران ج.ا. بر ادامه توسعه طلبانه این جنگ، و تبدیل آن به جنگی فرسایشی که جز به سود امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه و غارتگران داخلی نیست، جنگ ایران و عراق اینک مصلحت‌ارتجاعی یافته است و انحطاط اخلاقی طراحان و فرماندهان آن که در صدر فرمان آدم کشی سازمان یافته به اوج خود می‌رسد، نتیجه محتوم مصلحت‌ارتجاعی است.

از سوی دیگر مرحله نون جنگ آشکارا روشکست سیاسی حاکمیت ج.ا. است که به ابتکار بست سیاسی حاکمیت ج.ا. است که به ابتکار خود سرنوشت خویش را با سرنوشت جنگ پیوند زده است.

حکام ج.ا. خود، پیش از هرکس به واقعیت بن بست نظامی جنگ فرسایشی و اقلند حملات مکرر آنان به خاک عراق نتیجه‌ای جز تلفات و خسارات بسیار به بار نیاورده است. تلاش آنان تا کنون برای معامله سیاسی با امپریالیسم جهانی و دریافت سلاح‌های استراتژیک برای نجات از این مهلکه، در چهار چوب تناسب قوای کنونی جهانی و داخلی بی‌ثمر بوده است. مانورهای سیاسی از اساسی نادرست در باره بستن آبراه‌های بین‌المللی، آنان را بیش از پیش در باتلاق جنگ فرو برده است. در چنین شرایطی حاکمیتی که به منافع مردم پایبند باشد، بی‌پیش از هر چیز به چاره جویی برای پایان دادن به این فاجعه میهنی بر می‌خیزد. اما سران ج.ا. در این موقعیت نیز، راه تشدید بحران را بر می‌گزینند و با دامن زدن به مردم کشی لجام گسیخته در یک "جنگ کیفی"، مصیبت‌های تازه‌ای را به مردم ستمدیده ما تحمیل می‌کنند. رهبران ج.ا. سعی می‌کنند به مردم بقبولانند که:

"ما جز این اقدام چاره‌ای نداریم و ایستادگی آخرین راهی است که دشمن در برابر ما قرار داده است" (هاشمی رفسنجانی - نماز جمعه ۲۰ بهمن ۶۲).

اما مردم ایران خوب می‌دانند که این سخن، فریکاری ناامیدانه و بیبهره‌ای بیش نیست. این پایان راهی است که آنان خود برگزیده‌اند.

هشدار تاریخی حزب توده ایران دربارهٔ جلوگیری از فرسایشی شدن جنگ

مردم ما به یاد دارند که تا پستان سال گذشته هنگامی که پس از آزاد سازی خرمشهر و شکست نظامی همه جانبه تجاوز امپریالیستی عراق، نیروهای ایران به مرزهای بین دو کشور رسیدند و حکومت متزلزل عراق، بخش عمده خواست‌های برحق ایران را پذیرفت و جنبش انقلابی در عراق اوج گرفت، نیروهای نیکی انقلابی و پیشاپیش همه، حزب توده ایران و سازمان برادر، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، بنا به مسئولیت بزرگ تاریخی خویش، خواستار پایان جنگ شدند.

حزب توده ایران اعلام کرد: "مرحله تازه‌ای در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران انقلابی که همه می‌دانند صدام آن را طبق منافع و با تحریک آمریکا آغاز کرد پیش آمده است. در روی پرده دودی که آمریکا ایجاد کرده، هدف

اصلی‌اش تحمیل یک جنگ فرسایشی طولانی است در برابر این تدارکات و دام گسترده‌ها، اصل مبارزات نجات و تحکیم انقلاب ایران از خط توطئه و بند دام‌ها و تثبیت ج.ا. و نیل به اهداف بزرگی که انقلاب پیش روی داشته است و دارد" (تحلیل هفتگی حزب توده ایران - شماره ۵۱ - ۲۷ مرداد ۶۱).

ما تأکید کردیم:

"در هم شکستن توطئه آمریکا، که با یاری "عروسک" های منطقه‌ای اش می‌خواهد انقلاب را، از راه فرسایشی کردن جنگ و تحلیل بردن بنیه مادی و انسانی کشور ما تضعیف کند، و ما را از رسیدن به اهداف انقلاب و تحول بخشیدن به اوضاع اجتماعی - اقتصادی جامعه باز دارد و زمینه را برای انجام اقدامات براندازی فراهم سازد، وظیفه مبرمی است که اهمیتش بیش از پیش آشکار می‌شود" (تحلیل هفتگی حزب توده ایران - شماره ۶۲ - ۱۶ آبان ۶۱).

اما سران ج.ا. به این هشدارها وقعی ننهادند. در نماز جمعه هشدار مسئولانه ما را ناشی از وابستگی حزب ما به سیاست اتحاد شوروی خواندند (موسوی اردبیلی - نماز جمعه ۲ مرداد ۶۱) و جنگ را با هدف تشکیل "حکومت اسلامی" در عراق، و تشکیل ارتش بزرگ جهانی اسلام" و "واحد سیاسی بزرگ جهانی تحت لوای اسلام" (محسن رضایی - اطلاعات - ۱۷ شهریور ۶۲) ادامه دادند. این سیاست جنون آمیز شورونیستی، تنها منافع امپریالیسم جهانی را که خواستار فرسایشی کردن جنگ بود و نیز منافع زمین داران و سرمایه - داران بزرگ ایران را برآورده می‌کرد که همان زمان از زبان عسکراولادی، سخنگوی سرشناس خویش می‌گفتند:

"تنها اشکال ما اینست که می‌آید به محض آنکه جنگ تمام شده، عدای به فکر راه باشند نکند فکر کنید که جنگ به پایان رسیده، خیر چونکه ما برای استقرار نظام اسلامی در جهان تلاش می‌کنیم" (صبح آزادگان ۱۹ خرداد ۶۱).

نزدیک به یکسال و نیم از روزهایی که سران ج.ا. راه ادامه توسعه طلبانه جنگ ایران و عراق را برگزیدند، می‌گذرد. امروز مردم ایران عواقب شوم این سیاست را که مبارزان حزب توده ایران، اینک از جمله به خاطر هشدار مسئولانه به آنها زبیر شکنجه‌های دردناک به سر می‌برند، به تجربه عینی لمس می‌کنند.

بقیه در صفحه ۱۴

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

رفیق پوری آندریف درگذشت!

تیغه از صفحه ۱

پوری واد پیریویچ آندریف دارای تحصیلات عالی بود و در سال ۱۹۲۹ به عضویت حزب پر افتخار کمونیست اتحاد شوروی درآمد. پوری آندریف هنگامی که ۱۶ سال پیشنداشت، در جمهوری خود مختار اوستای شمالی به عنوان کارگر به کار مشغول بود و در کار آن به فعالیت در کسمبول لنینی می پرداخت. بعد ها شغل ملوانی در کشتیرانی رود ولگا را پیشه کرد.

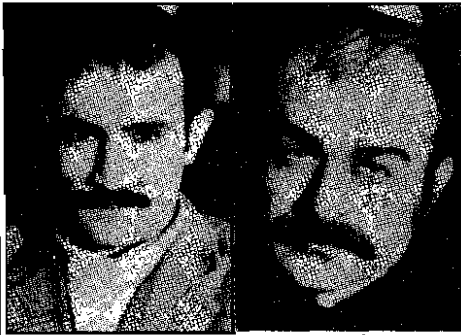
پوری آندریف از سال ۱۹۲۶ به فعالیت در کسمبول پرداخت، وی از ریزهای اول شروع جنگ کبیر میهنی در جنبش پارتیزانی کارلیا شرکت فعال داشت.

پوری آندریف از سال ۱۹۵۳ از جانب حزب برای انجام مأموریت های دیپلماتیک برگزیده شد. وی در ۲۲- مین کنگره حزب کمونیست اتحاد

شوروی و همچنین کنگره های بعدی، به عضویت کمیته مرکزی حزب و در سال ۱۹۶۲ به سمت دبیری حزب کمونیست اتحاد شوروی انتخاب شد. در ماه مه ۱۹۶۷ وظیفه ریاست کمیته امنیت دولتی، جنب شورای وزیران اتحاد شوروی به پوری آندریف محول شد. وی در ماه ژوئن همان سال به عضویت مشاور هیأت سیاسی کمیته مرکزی و از ماه آوریل ۱۹۷۳ به عضویت هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی درآمد. وی از ماه مه ۱۹۸۲ دوباره به سمت دبیری کمیته مرکزی انتخاب شد.

پوری آندریف در ۱۲ نوامبر ۱۹۸۲ به دبیر کلی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و در ۱۶ ژوئن سال بعد به صدارت هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی برگزیده شد.

شهادت دو قهرمان



خسرو گل سرخی کرامت الله دانشیان

۱۰ سال پیش در سپیده دم روز ۲۸ بهمن، رژیم مغرور آریامهری دست به جنایتی دیگر زد و تن از بهترین فرزندان خلق ایران را به جوخه های اعدام سپرد. دو همرز که همواره نشان در قلب توده ها زنده است: خسرو گل سرخی و کرامت الله دانشیان.

این دو قهرمان، پس از تحمل شکنجه های غیر انسانی و به زانو در آوردن جلا دان کمیته به بیدار گاه نظامی رژیم شاه آورده شدند. رژیم می خواست از این خیه شب بازی، نهایت بهره برداری را بکند، اما گل سرخی و دانشیان در این صحنه چنان حماسه ای آفریدند که شعله های آن قبل از هر چیز دامن رژیم را سوزاند. مشت گره کرده خسرو، صدای آرام و متین کرامت، بیدار گاه را به دادگاه محاکمه رژیم جانی تبدیل کرد. آنها از خود دفاع نکردند. آنها از ارانی ها، روزبه ها و باطلان ها سخن گفتند و به دفاع از ایدئولوژی خلاق خود پرداختند.

گل سرخی و دانشیان به تدای خلق گمشوش فرا دادند، هنر خود را در خدمت به خلق عرضه کردند، وعده های ستگران، آنها را نفیست، شکنجه جلا دان از پایشان نیفتند و حکم اعدام اعتقاد و اراده شان را سست نساخت.

ما همین فردا

کاری خواهیم کرد
کاری کارستان
گل سرخی و دانشیان با ایثار جان خود در راه خلق، به آرمان انقلابی خوش وفادار ماندند و " کاری کردند کارستان! "

در سالگره شهادت خسرو گل سرخی و کرامت دانشیان، با یاد همه شهیدان راه آزاد میهن مان، به خاطر تابناکشان درود می فرستیم و استواری و دلوری آنها را می ستائیم.

**بر فرار باد اتحاد همه نیروهای
ضد امپریالیستی و دموکراتیک
ایران در جبهه متحد خلق**

کنستانتین چرننکو به سمت دبیر کلی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی برگزیده شد

تیغه از صفحه ۱

در این اجلاس فوق العاده کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، مسئله انتخاب دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح شد.

نیکلای تیخونوف، عضو هیئت سیاسی و رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی، به نمایندگی از سوی هیئت سیاسی کمیته مرکزی، پیرامون این مسئله سخنرانی کرد. وی پیشنهاد کرد کنستانتین چرننکو به سمت دبیر کلی کمیته مرکزی برگزیده شود.

اجلاس کمیته مرکزی، کنستانتین چرننکو را به اتفاق آرا به سمت دبیر کلی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی برگزید.

کنستانتین چرننکو، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، پس از انتخاب خود به این سمت، سخنرانی کرد. وی از کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به خاطر اعتمادی که به وی کرده است تشکر کرد.

کنستانتین چرننکو، به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی اطمینان داد که تمام توان، داناتی و تجارب زندگی خود را به کار خواهد بست تا وظایف ساختمان سوسیالیستی در اتحاد شوروی را به انجام رساند، اهداف کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی، تقویت ظرفیت اقتصادی و توان دفاعی اتحاد شوروی سوسیالیستی را تحقق بخشد، سطح زندگی خلق شوروی را بالا برد و در جهت تحکیم صلح و تحقق سیاست خارجی لنینی که از سوی حزب کمونیست و دولت شوروی دنبال می شود بکوشد.

اجلاس فوق العاده کمیته مرکزی، با سخنرانی کنستانتین چرننکو، به کار خود پایان داد.

کنستانتین استیوویچ چرننکو در ۲۴ سپتامبر

۱۹۱۱ در دهکده پولشایا تییز، ناحیه نوو سلوو، منطقه کراسنیا رسک متولد شد. وی در سال ۱۹۳۱ به عضویت حزب کمونیست اتحاد شوروی درآمد و تحصیلات عالی خود را در انستیتوی تعلیم و تربیت و مدرسه عالی برای سازماندهان حزبی، جنب کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) به پایان رساند. کنستانتین چرننکو، در اوائل جوانی به عنوان دارگر روز مزد نزدیک کولاک آغاز به کار کرد. وی مسئولیت های رهبری در کسمبول و دستگاه حزبی را به عهده داشت.

کنستانتین چرننکو، در سال ۱۹۳۰ داوطلبانه به ارتش سرخ پیوست و از سال ۱۹۴۸، به عنوان مسئول شعبه تبلیغ و ترویج کمیته مرکزی حزب کمونیست مد او به فعالیت پرداخت.

کنستانتین چرننکو از سال ۱۹۵۶ به کار در شعبه مرکزی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی فرا خوانده شد. در سال ۱۹۶۶ به عضویت مشاور کمیته مرکزی، و در کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی، به عضویت کمیته مرکزی و در ماه مارس ۱۹۷۶، در اولین پلنیم پس از کنگره ۲۵ به دبیری کمیته مرکزی برگزیده شد.

وی از سال ۱۹۷۷، مشاور و از سال ۱۹۷۸ عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی است.

کنستانتین چرننکو، در هیئت نمایندگی اتحاد شوروی در کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا که در سال ۱۹۷۵ در هلسنکی برگزار شد، همچنین در مذاکرات خلق سلاح بین (۱۹۷۹) شرکت داشت.

کنستانتین چرننکو ۲ بار به خاطر خدمات خود به عنوان " قهرمان کار سوسیالیستی " نائل آمده و سه بار مدال لنین را دریافت داشته است.

مردم مرفی جهان: صدور احكام علیه افسران میهن دوست و توده ای های دربند را متوقف کنید!

صدور احكام جابرانه بیدادگاه های نظامی ج ۱۰ علیه افسران میهن دوست و توده ای های دربند و نیز برگزاری دادگاه های فرمایشی اعضا و فعالین حزب توده ایران در شهرستان های ایران که بدون حضور خبرنگاران ، وکلای مدافع و بستگان آنان و بر اساس " دستور العمل های ارسال شده " آغاز شده است ، هم چنان مورد خشم و اعتراض گسترده احزاب ، سازمانها و انجمن های دمکراتیک جهانی است . بی اعتنائی مأمورین سقارتی ج ۱۰ به خواسته های برحق آنان مانع از آن نشده است که مردم مرفی جهان ، همچنان خشم و نفرت و اعتراض خود را نسبت به این اقدامات ضد قانونی ، ضد انسانی و ناقض تمامی موازین بین المللی رساتر از پیش ، ابراز نکند .

" راه توده " تا آن جا که صفحات محدود خود اجازه می دهد ، گوشه ای از اعتراضات و ابراز همبستگی های مردم آزادی خواه و انسان دوست جهان را با حزب توده ایران و اعضا و دربندان منعکس می سازد :

عکس العمل محافل مرفی جهان در برابر احكام صادره از بیدادگاه های نظامی بریتانیا

سفارت ج ۱۰ در لندن ، یاز هم وعده خود را مبنی بر صدور اجازه روادید به هیأتی مرکب از دو نماینده پارلمان انگلستان ، یک نماینده پارلمان اروپا و یک پزشک که به تأیید جامعه ملل متعدد در بریتانیا و ایرلند شمالی (سازمان معتبری که وابسته به سازمان ملل متحد است) نیز رسیده بود ، پس گرفت .

هیأت مذکور به دنبال تقاضای شخصیت های مرفی بریتانیا ، مبنی بر امکان دیدار از زندان های ایران و بررسی چگونگی وضع زندانیان سیاسی تشکیل شد و همانگونه که اشاره رفت ، سفارت وعده فراهم آوردن امکانات را برای سفر هیأتی با این گونه مشخصات داده بود . ولی در ماه ژانویه ، طی نامه ای به مبتکرین تشکیل هیأت اطلاع داد ، از آنجا که در ایران با هیچ حس به طور غیرقانونی رفتار نمی شود و زندان ها بیستر حالت ستاد های آموزشی دارند و وسائل آموزش در آن ها برای زندانیان مهیا است ، دلیلی برای دیدار این هیأت از زندان ها وجود ندارد .

و به این ترتیب ، مقامات حکومتی ج ۱۰ ، بهار دیگر ترس و وحشت خود را از افشای حقایق جنایاتی که در اطاق های تمشیت زندانهای

ج ۱۰ می گذرد آشکار می سازند .

● جری پوکاک ، عضو هیأت سیاسی کمیته اجرایی و دبیر شعبه بین المللی حزب کمونیست بریتانیا ، طی مصاحبهای با روزنامه " مورنینگ ستار " (ستاره صبح) ، ارگان حزب ، پیرامون رأی دادگاه های نظامی تهران علیه افسران میهن دوست مدافع انقلاب و برخی از اعضای حزب توده ایران ، اظهار داشته است :

" احكام صادره در مورد این مبارزین که در دادگاه های در بسته فرمایشی ، بدون اینکه اجازه دفاع داشته باشند ، محاکمه شده اند ، مردود است و ما در این مورد باید به اعتراضات گسترده دست بزنیم . در ضمن نباید فراموش کرد که هزاران تن از اعضای حزب توده ایران و سایر نیروهای مرفی هم چنان تحت بازداشت و شکنجه های وحشیانه به سر می برند "

وی باریک ، طی فراخوانی ، از کلیه نیروهای مرفی خواست تا در تظاهرات اعتراضی حزب کمونیست بریتانیا ، که بدین مناسبت ، در برابر ساختمان سفارت ج ۱۰ در این کشور برپا می گردد ، شرکت نمایند .

● کریس ماینت ، عضو هیأت سیاسی و کمیته اجرایی حزب کمونیست بریتانیا ، طی مقاله ای که در تاریخ ۳ ژانویه (۱۳۰ دی) در روزنامه " مورنینگ ستار " به چاپ رسیده ، صدور احكام سنگین از طرف بیدادگاه های فرمایشی را شدیداً

محکوم نموده و توجه افکار عمومی دمکراتیک جهان را مجدداً به خطری که جان فعالین و اعضا

حزب توده ایران را تهدید می کند ، جلب کرده است .

فعالین جنبش صلح بریتانیا ، جنایات حکومت ج ۱۰ را علیه اعضای حزب توده ایران و سایر نیروهای مرفی محکوم می کنند

در جلسهای که روز جمعه ۱۳ ژانویه از طرف دستداران صلح بریتانیا در لندن برگزار گردید ، در باره رویداد های اخیر ایران و برگزاری محاکمات نظامی در بسته ، علیه مدافعان راستی انقلاب و برخی از اعضای حزب توده ایران ، بحث و گفتگو به عمل آمد و در پایان ، حاضرین به امضای متن اعتراضی ، جنایاتی را که به دست حکومت ج ۱۰ علیه مبارزین ضد امپریالیست در ایران اعمال می شود ، محکوم نموده ، درخواست کلی محافل دمکراتیک بین المللی ، مبنی بر اعزام هیأتی جهت بازدید از زندانیان و بررسی چگونگی وضع آنان از نزدیک ، با فشار نمودند .

در میان امضا کنندگان ، اسامی شخصیت های برجسته جنبش صلح بریتانیا و از جمله خانم جون رداک ، مسئول جنبش مبارزه در راه صلح سلاح اتمی ، مایک پنت ، معاون ریاست جنبش نرومن پیك ، اسپر کئی و سیندی هوکسلی ، اعضا شورای مرکزی جنبش ، به چشم می خورد .

بقیه در صفحه ۵

نامه دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه به کمیته مرکزی حزب توده ایران

ایران دریافت کرد ایم . این پاسخ دندان شکنی است به کشتارهای نیروهای ارتجاعی . اهمیت این پلنوم که در سخت ترین شرایط برگزار شده است ، تنها محدود به طبقه کارگر و کمونیست های ایرانی نیست . ما برای شما ، در اجرای وظایفی که در برابر خود قرار داده اید کامیابسی آرزو می کنیم . حزب کمونیست ترکیه که در شرایط تسلط یک رژیم فاشیستی به مبارزه مشغول است ، فریاد همیاری خود را با حزب توده ایران ، در هر شرایطی و با تمام نیروی خود بلند می کند .

با درود های کمونیستی حیدر کوتل دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه

رفقای عزیز ، ما با نهایت نگرانی جریبان پی گرد ها ، شکنجه ها ، محاکمات و تضحیاتی را که علیه عده زیادی از اعضا حزب توده ایران به عمل می آید دنبال می کنیم . گناه این افراد ، فقط دفاع از منافع طبقه کارگر ایران و مبارزه در این راه است . احکامی که اخیراً در مورد افسران میهن پرست و اعضای حزب توده ایران اعلام شده است ، آخرین حلقه توطئه امپریالیسم و ارتجاع بر ضد مردم ایران است . حزب کمونیست ترکیه خواهان قطع فوری کشتار اعضای حزب توده ایران قدیمی ترین و شجاع ترین حزب ایرانست . ما همکاری بیشمارانه میان نیروهای ارتجاعی ایران و رژیم فاشیستی ترکیه را محکوم می کنیم .

ما از سوی دیگر خبر شادی آوری در باره برگزاری هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده

۱۹ ژانویه ۱۹۸۴

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده ای!

مردم مترقی جهان: صدور احکام

بقیه از صفحه ۴

شرکت کنندگان در جلسه، طی صدور قطع نامه‌ای، این اعمال را محکم نمودند و خواستار برگزاری محاکمات به صورت علنی و با شرکت گروهی از حقوق دانان بین‌المللی گردیدند. آنان هم چنین "اعترافات" رهبران حزب توده ایران را که تحت شکنجه‌های وحشیانه اخذ شده است، مردود شمرند و آن را در تضاد با اصول موازین قضائی بین‌المللی ارزیابی کردند و ضمن تأکید بر این امر که سرکوب حزب توده ایران، سرکوب انقلاب ایران است، آزادی کلیه زندانیان توده‌ای و سایر دمکرات‌های در بند را خواستار گردیدند. قطعنامه به امضای سازمانهای مترقی زیر رسیده است:

• سازمان ایالتی حزب کمونیست آمریکا در ایلی

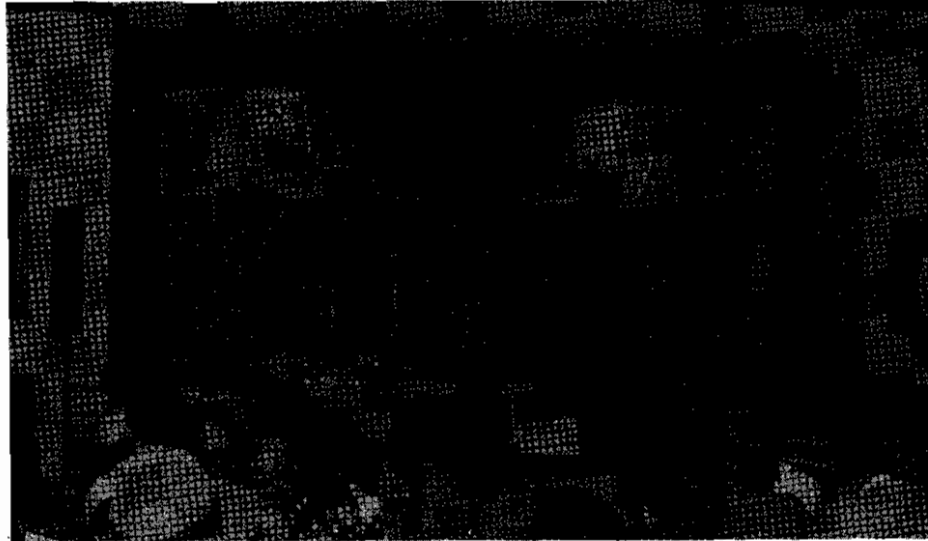
دوستان آمریکائی ایران انقلابی (افسری)، هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و هواداران حزب توده ایران در شیکاگو، به مناسبت بزرگداشت آغاز چهل و سومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، برگزار شد، گسروه کثیری از نیروهای انقلابی و مترقی آمریکائی و خارجی شرکت داشتند. طی این مراسم تدبیری بر سر، مسئول ایالتی حزب کمونیست آمریکا در ایلی نويز، جیمز ساوولین، مسئول کسبوری "انجمن دوستان آمریکائی ایران انقلابی" و

دانمارک

حزب کمونیست دانمارک، طی اعتراض نامه‌ای که در تاریخ ۲۴ ژانویه (۴ بهمن ماه) به سفارت ایران در کپنهاگ تحویل داده شد، تأثیر و تأسف سرد را از دریافت خبر مربوط به صدور احکام جابرانه دادگاه‌های نظامی علیه افسران مدافع انقلاب و برخی از اعضای حزب توده ایران ابراز نموده و خاطر نشان ساخته است که احکام صادره نیز، همانند جریان محاکمات سری پشت‌درهای بسته و به کمک محروم ساختن متهمان از حق دفاع آزاد از خود، مردود و محکم است.

این حزب، همچنین برخواست کمونیست‌های دانمارک و سایر دمکرات‌های این کشور مبنی بر آزادی متهمان و دیگر زندانیان سیاسی مترقی تأکید ورزیده است.

روزنامه "لندادک فالک"، ارگان حزب کمونیست دانمارک نیز، طی مقاله‌هایی به تاریخ ۲۴ و ۲۵ ژانویه (۴ و ۵ بهمن) به جریان مشروح بازداشت، شکنجه و کسب "اعترافات" از اعضا "حزب توده" ایران و سپس برپائی مضحکه دادگاه‌های فرمایشی نظامی تهران پرداخته و اهداف ارتجاع را از اعلام غیر قانونی بودن حزب توده ایران، تشریح کرده و به احکام صادره از طرف دادگاه‌ها، شدیدا اعتراض نموده است.



جاسه همبستگی با حزب توده ایران در آمریکا - ایلی نويز

نويز • سازمان جوانان کمونیست ایلی نويز • سازمان دمکراتیک جوانان فلسطین • اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطین، شعبه • کمیته همبستگی با آمریکای لاتین، شعبه سنت لوئیس • اتحادیه دمکراتیک عراق • هواداران جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین • دوستان و هواداران حزب کمونیست یونان • هواداران حزب کمونیست شیلی • هواداران سازمان فدائیان

بقیه در صفحه ۱۵

پرفسور یان کرد، شاعر و نویسنده شهیر و عضو هیأت مدیره این انجمن، سخنانی پیرامون روداد های اخیر ایران و سرکوب نیروهای مترقی، به ویژه حزب توده ایران بیان کردند. آنان همچنین به زنگ خطری که اعلام دادگاه‌های نظامی علیه این مبارزین به صدادر می‌آورد اشاره کردند و حاضرین را دعوت به اقدامات اعتراضی علیه قانون شکنی‌ها و خود سری‌های مسئولین حدوسی ج ۱۰ و نجات جان زندانیان نمودند.



حزب کمونیست دانمارک همچنین، تلگرامی در این زمینه خطاب به موسی اردبیلی، رئیس دیوان عالی کشور مخابره نموده و ضمن آن صدور احکام علیه افسران میهن دوست و برخی از اعضای حزب توده ایران و نیز نحوه انجام محاکمات را غیرقانونی و مردود شمرده، لغو احکام و استقرار حکومت قانون و آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی در ایران را خواستار شده است.

آمریکا

در جلسه‌ای که روز شنبه ۳ دسامبر (۱۲ آذر ماه) به ابتکار سازمان ایالتی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا در ایالت ایلی نويز، جمعیت

حزب کمونیست عراق:

حزب توده ایران پرتوان‌تر از گذشته در راه استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی مبارزه خواهد کرد!

کرداندن کشور به زیر یوغ وابستگی به امپریالیسم منجر خواهد شد.

حزب کمونیست عراق همچنین ضمن ابراز همبستگی با حزب ما و اعضای آن در این موقعیت دشوار، تأکید کرده است که:

"حزب ایرانی‌ها، روزها، تیزی‌ها و حسین پورها، همانطور که تاریخ حسرت ثابت کرده است، از این نبرد، باریک‌تر پرتوان‌تر برخواهد خاست و روئین‌تر از گذشته، در راه استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی مبارزه خواهد کرد."

در پیام تبریک حزب کمونیست عراق به مناسبت آغاز چهل و سومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران که در روزنامه "طریق الشعب" ارگان حزب درج گردیده است، ضمن بررسی علل سرکوب وحشیانه حزب ما به دست ارتجاع حاکم بر ایران و زمینه‌های دروغ‌پردازی علیه حزب و اعضای آن، از جمله آمده است:

"مردم ایران با تجربه‌ای که در این زمینه به دست‌آورد دارند، به این امر واقفند که کارزار ضد کمونیستی‌ای که علاضدیت با آزادی خواهی است، در نهایت به دشمنی با خلسمق و یاز-

پیرامون انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی

در اعلامیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) پس از تشریح وضع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور در مرحله کنونی، از همه آنانی که خواهان استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی هستند دعوت می شود تا "به فهرست نامزد های ارائه شده از طرف نهاد های وابسته به حکام ج ۱۰ و سازمان های مربوط به آنها رأی مخالف دهند".

چرا ما موضوع تحریم انتخابات را مطرح ساختیم و چه فرقی بین شرکت در انتخابات و دادن رأی مخالف و تحریم آن وجود دارد؟ این هر دو شیوه ضمن واحدی دارد - در هر دو مورد هدف اعتراض به اختناق حاکم و مخالفت با سیاست های ارتجاعی هیئت حاکمه است. ولی در گزینش شیوه اعتراض نمی توانیم و نباید جو پلیسی حاکم را نادیده گرفت - تحریم انتخابات یعنی عدم حضور در مراکز انتخاباتی - همه می دانند که یکی از زشت ترین شیوه های پلیسی رایج در ج ۱۰ زدن مهر ویژه شرکت در انتخابات به شناسنامه ها است - نبود چنین مهری در شناسنامه علاوه بر بی آمد های نامطلوب دیگر می تواند به قطع جیره بخور و نعیر مردم منجر گردد. به همین سبب ما شیوه دوم را بر "تحریم" ترجیح دادیم. قوه مقننه در تعیین سر نوشت مردم نقش تعیین کننده دارد - انتخابات مجلس، یعنی گزینش افراد با صلاحیت و سپردن امور مربوط به قانون گذاری به دست آنان مجلس یا تأیید نخست وزیر و ترکیب کابینه و تصویب قوانین راه بیرون رفتن از بحران عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را نشان می دهد - انتخاب نمایندگان صالح، لایق، کار داران، حافظ منافع محرومین جامعه و صادق به آماج های مردمی انقلاب بهمن ۵۷، وقتی میسر است، که مردم بتوانند حق را از باطل تمیز دهند - این امر فقط و فقط در شرایط مراعات اکید آزادی ها و حقوق دموکراتیک مردم امکان پذیر است.

در اعلامیه مشترک گفته می شود: "انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی در شرایطی برگزار می شود، که حلقان و ترور بهر میهن ما سایه افکنده، ارگان های سرکوب گر یک تاز میدانند، قلم ها را شکسته و زبان ها را یستغند، ده ها هزار توده های وفادای و مجاهد - مبارزین واقعی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در سیاه چال های رژیم تحت شکنجه های وحشیانه جسمی و روحی قرار دارند و روزی نیست که احکام جابرانه زندان های دراز مدت یا اعدام میهن - دوستان اعلام نگردد".

مردم ایران هر روز و هر ساعت با این حقیقت عریان در تماس اند - با وجود این سران

ج ۱۰ که از کلمه "آزادی" مانند جن از بسملله می ترسند، از ضرورت مراعات آزادی انتخابات سخن می گویند.

جالب است که سران ج ۱۰ حتی در محیط اختناق کنونی نیز نگران آینده اند - در غیر این صورت منبع نقد از دولت و مجلس و دیگر نهاد ها را، بلافاصله پس از اعلان قریب الوقوع انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی چگونه می توان تعبیر کرد.

یکی از شرایط عده انتخابات آزاد، بررسی عملکرد دولت و مجلس در عرصه های گوناگون است - به ویژه این که هم رئیس دولت و هم عده زبانی از وزرا و نیز اکثریت اعضا قوه مقننه متسبب به حزب حاکم - حزب ج ۱۰ هستند و این حزب مانند سلفش حزب رستاخیز، یگانه سازمان سیاسی آزاد در کشور است. در این که قوای مقننه، مجریه و قضائی منشأ کلیه مصائب و مشکلات عظیم دامنگیر جامعه اند تردیدی نیست. قوای سه گانه عملاً به ثبوت رسانده اند، که لیاقت و کارآمدی مملکت داری را ندارند و کشور را به آستانه ورشکستگی سوق می دهند - عدم آزادی های فردی و جمعی و غیر قانونی شدن فعالیت احزاب ملی و ترقی امکان هر گونه انتقاد سازنده و خلاق را به ضد روشنگری افکار عمومی از بین برده و صحنه را برای جناح های مختلف در حاکمیت خالی گذارده است. اینکه این جناحها در انتقاد از دولت و مجلس یا پشت کردن به مصالح ملی، منافع گروهی را در نظر دارند - مبارزه در راه قیض انحصاری قدرت، که از فردای پیروزی انقلاب آغاز شد و هنوز هم ادامه دارد، با نزدیک شدن انتخابات شکل حادی گرفته بود. جناح های متخاصم اسرار مگورا، که مردم نمی بایست از آنها باخبر شوند، بازگو می کردند و برای جلب نظر توده ها به عوام فریبی و دادن وعده های بی پشتوانه متوسل می شدند - منح انتقاد از دولت و دیگر نهاد ها ارتباط مستقیم بسا نبرد بر سر قدرت داشت.

در قطعنامه پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران به درستی خاطر نشان می شود، که: "بخش عمده وضع موجود را می توان سیاست مانور میان طبقات و اقشار و "استعداد" عوام - فریبانه از تمام قشرها و طبقات جامعه برای پرده پوشی دفاع از منافع طبقه استثمار گر دانست".

در جریان مانور عوام فریبانه، این یا آن گروه گوتسه هایی از حقیق را بازگو می کنند که آموزنده است. برای اینکه مستند سخن گفته باشیم به اظهارات مقامات رسمی و نیمه رسمی، که گاه و بیگاه در رسانه های گروهی انتشار می یابد و بازتاب مبارزه میان جناح های گوناگون است، مراجعه می کنیم.

آیت الله منتظری در دیدار با سرپرست شورای مرکزی گزینش ضمن طرح مسئله "منبری کردن نیروها" گفت:

"من این واقعیت را در یکی از ملاقات های اخیر صریحاً گفتم و در رسانه های گروهی هم منتشر شد که احساس می شود نیروهای متدین و لایق در بازار و آموزش و پرورش و سپاه پاسنبداران و از روی جهالت و نادانی یا شیطنت به تدریج با برچسب های مختلف حذف و منزوی می شوند و موجبات نارضایتی به وجود می آید..."

(کیهان ۹ آذر ماه ۶۲)

آنچه آقای منتظری می گوید، پدیده نوینی نیست. وقتی ده ها هزار هواداران و اعضا احزاب و سازمان های انقلابی و ضدامپریالیستی را یا زدن برچسب های بی شرمانه از ادارات و نهادها اخراج می کردند، آب از آب تکان نمی خورد - ولی اکنون که نیت هواداران جناح خودی فـرا رسید، فـریاد بر می کشند و برچسب زنی را، که به سنتی رایج در ج ۱۰ تبدیل شده تـجـیـح می کنند - حیرت آور آنکه آقای موسوی نخست وزیر ج ۱۰ که مسئول مستقیم این روند ناهنجار است، خود زیان به شکوه می کشد و در صاحب های می گوید:

"... بنده به عنوان یک خدمتگزار کوچک باید عرض کنم که این خطر بسیار بزرگ است و تنها در سطح محدودی مطرح نیست، بلکه در کلیه ارگانها و دستگاهها به نظر می آید این خطه کشی ها باعث حذف و طرد نیروهای کارآمدی از این طیف و یا از آن طیف می شود و بنده کاملاً لزوم پایان دادن به این خط کشی ها را احساس می کنم" (اطلاعات ۹ بهمن ۶۲)

نخست وزیر که لزوم پایان دادن به این "خط کشی ها" را حس می کند و معتقد است که این کارها "نفرت عمومی" را دامن می زند و حتی احتمال "عواقب خطرناک" را نیز حدس می زند، چرا تدابیر جدی اتخاذ نمی کند؟ آیا ایسن خود نشانه عجز دولت و دلیل بارز عدم لیاقت آناسی نیست که نگران اداره کشور را به دست دارند؟ تا کی توده های محروم باید قربانی انواع "خط ها و "طیف ها باشند؟ به اصطلاح مبارزه انتخاباتی هم بین پیروان این "خط ها و "طیف ها جریان دارد - آنها که در این مبارزه روابط را جایگزین ضوابط و معیارها کرده اند، سعی دارند سهم بیشتری از خـسـوان یغمای گسترده به خود اختصاص دهند.

آقای محسن رهامی نماینده مجلس آشنـابـا بسـه ما جـرا- های پشت پرده در صاحب های با "اطلاعات" بقیه در صفحه ۱۱

مردم ایران! به فهرست انتخاباتی حکام جمهوری اسلامی رای مخالف دهید!

معرفی کتاب

انقلاب‌های رهایی بخش ملی دوران معاصر

نویسنده: کن. پروتس
ترجمه: ایویا

انقلاب‌های رهایی بخش
ملی دوران معاصر

و پیشرفت و فراوانی آن به سوسیالیسم مورد بررسی قرار داده است. وی در این بخش، نقش طبقه کارگر و دهقانان، مواضع بورژوازی ملی و بوروکراتیک و نقش نیروهای خرده بورژوازی و اقلیت‌های بومی را ارزیابی می‌کند و نیروهای محرکه انقلاب را در این مرحله نوبت از انقلاب‌های رهایی بخش ملی، برحسب میزان آمادگی و توانایی آنان برای شرکت در حل انقلابی و وظایف انقلاب توضیح می‌دهد. در این بخش از کتاب نظرات جالبی، ابراز شده که برخی از آنان را به نسبت اهمیت در این "معرفی نامه" ذکر می‌کنیم.

کن. پروتس، در بررسی مسئله "بورژوازی بوروکراتیک" می‌گوید:

"وجه مشخصه بورژوازی اداری در کشورهای رشد یافته، با توجه به موقعیت ویژه آن در سیستم قدرت دولتی و آن گرایش اجتماعی که این بورژوازی نماینده آنست، ما را به یاد ترم مارکس می‌اندازد که می‌گوید در شرایط عینی، بوروکراسی می‌تواند به عنوان یک وسیله در جهت تسداری سلطه بورژوازی خدمت کند. بورژوازی بوروکراتیک به دلیل موقعیت خاص و طرق ثروت اندوزی به خود فروشی سیاسی نیز اشتیاق دارد و آماده است به ضد ملی‌ترین و ضد مردمی‌ترین اقدامات دست بزند."

نگاهی اجمالی به سیر انقلاب و چرخش مواضع بسیاری از دست‌اندرکاران امور ملیتی در ۱۰۰ سال سحت این حکم را که کوهی از واقعیات کشورهای دیگر در حال رشد را پشت سر خود دارد، اثبات می‌کند، حزب ما، بارها در باره این خط‌مشی هشدار داده و نقش مخرب این گروه را در روند انقلابی میهن ما بر ملا ساخته است.

نویسنده در بخش دیگری از فصل دوم کتاب، در جایی که پیرامون نیروهای محرکه انقلاب سخن می‌گوید، می‌نویسد:

"اگرچه ممکن است، برنامه دمکراتیک عام مرحله دوم مبارزه رهایی بخش ملی با مناسبات و تمایلات نیروهای مختلف اجتماعی مطابقت داشته باشد، ولی معنای آن لزوماً این نیست که همه این نیروها برای اجرای برنامه‌های مذکور به طرق انقلابی آمادگی داشته باشند و عمل کنند" (ص ۹۷)

نویسنده کتاب با توجه به ظرفیت انقلابی و پیگیری طبقه کارگر متذکر شده است که:

"در مورد طبقه کارگر باید گفت که در مرحله دوم، اهمیت اجتماعی او افزایش یافته و در راه کسب رهبری مبارزه رهایی بخش پیشرفت کرده"

است (ص ۹۹). بررسی مواضع بورژوازی ملی که به نظر نویسنده کتاب در مرحله نوبت جنبش‌های رهایی بخش ملی، هنوز از برخی مواضع ضد امپریالیستی برخوردار است، اما دیگر به عنوان یک طبقه، انقلابی محسوب نمی‌شود و "دیگر جز نیروهای محرکه انقلاب رهایی بخش ملی نیست" (ص ۱۰۳). از بخشهای بسیار جالب و آموزنده این کتاب ارزشمند را تشکیل می‌دهد. نویسنده کتاب درباره گرایش ضد امپریالیستی بورژوازی ملی خاطر نشان ساخته که:

"اغلب گرایش سازش با امپریالیسم بر گرایش ضد امپریالیستی آن غالب می‌گردد و با تحمیل این فکر تأکید می‌کند "نکته دیگری که به همین اندازه اهمیت دارد، اینست که امپریالیسم به سرمایه‌داری ملی در کشورهای رشد یافته از دیدگاه مبارزه با نظام جهانی سوسیالیستی می‌نگرد. این تقابل متعابله سازش، اساس همه سیاست‌ها و برنامه‌های گوناگون رفرمیستی و سازشکارانه را در تحولات مختلف کشورهای توسعه یافته، تضعیف دائمی جنبش انقلابی در این کشورها تشکیل می‌دهد."

در بخش دیگر این کتاب، "برخی روند‌های ایدئولوژیک پس از کسب استقلال سیاسی کشورهای تازه از بند رسته مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و خاطر نشان می‌شود که:

"نمود ظاهری مبارزه ایدئولوژیک در کشورهای نواستقلال، ویژگی‌های ظاهری یا واقعی مفاهیم ایدئولوژیک رایج در این کشورها، مضمون واقعی و اهمیت این مبارزه در چارچوب مبارزه ایدئولوژیک جهانی تعیین می‌شود و بروز می‌کند. در این بخش از کتاب تئوری‌های گوناگون "ما فوق و ما را" طبقاتی "و جدت ملی که سلاخ نیروهای مدافع راه رشد سرمایه‌داری است، بررسی می‌شود و برداشتهای گوناگون پیروان "سوسیالیسم ملی" در کشورهای نواستقلال و روند نفوذ و رشد اندیشه‌های سوسیالیسم علمی در این کشورها که به قول نلین، خلقها آن را "بسا خون دل" فرا می‌گیرند مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است."

در فصل چهارم کتاب که به "نقش شرایط بین‌المللی در پیشرفت مبارزه رهایی بخش ملی" اختصاص دارد نویسنده به درگگون شدن این شرایط در تمام جوانب آن پرداخته و یادآور شده است که این درگونی‌ها:

"در جهت وجود آوردن شرایط مساعد برای پیشرفت موفقیت‌آمیز روند رهایی ملی و قوی‌تر شدن مضمون اجتماعی این روند است."

نویسنده کتاب متذکر شده است که:

"اتحاد شوروی، کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست با تلاش بسیار می‌کوشند خصایص ویژه جنبش‌های رهایی بخش ملی را به عنوان جزئی از مبارزه طبقاتی جهانی کشف و بررسی کنند. تنها با کشف این خصایص ویژه امکان برقراری مناسبات صحیح میان تمام نیروهای روند انقلاب جهانی و تحکیم اتحاد میان جنبش‌های رهایی بخش ملی و سوسیالیسم و به وجود آوردن مناسب‌ترین شرایط برای ظهور تمام توان انقلابی این بقیه در صفحه ۱۴

هدف یورش

دادگاه‌های فرمایشی مخالفه اعضای حزب توده ایران را ادامه می‌دهند. اخبار منتشره در رسانه‌های گروهی نشان می‌دهد که جنایت نونی در حال تکوین است بنا بر اخبار منتشر شده در روزنامه‌ها شنواری عالی قضاوسی احکام سه تن از افسران میهن دوست را تأیید کرده است. کچه محافل قضائی مضمون آنها را منتشر نساخته‌اند، ولی پاره‌ای از ارگان‌های رسمی مطبوعاتی سخن از احکام اعدام به میان آورده‌اند، که نمی‌تواند نگرانی معین افکار عمومی را موجب نگردد. هزاران تن از اعضای حزب ما را با زیر پا گذاشتن کلبه قوانین و مقررات قضائی و دادرسی به پای میز محاکمه کشانده‌اند. اتهامات "سیا" ساخته مضمون و محتوای اساسی کیفرخواست‌های سرهم بندی شده را تشکیل می‌دهد.

جریان دادرسی افسران میهن دوست، با وجود قلت اخبار سانسور شده پیرامون آنچه پشت درهای بسته می‌گذرد، چهره واقعی مسئولین قضائی ایران را که از شیوه‌های فاشیستی در جریان دادرسی مدعی گیرند، پیش از پیش فاش ساخت. موارد اتهام برای همه افسران شرافتند یکسان بود: عضویت در حزب، پرداخت حق عضویت، شرکت در جلسات حزبی، معرفی نامزد حزبی و بالاخره "جاسوسی" و "براندازی".

در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت صدور احکام جاپرانسه پیدادگاه‌های نظامی در تهران علیه افسران میهن پرست گفته می‌شود:

"نماینده‌گان محافل ارتجاعی با این اقدام بیرمزشانه، خصومت کبر خود را نسبت به مبارزان صادق راه استقلال آزاد و عدالت اجتماعی بار دیگر در پهنه عمل به نمایش گذاشتند. حتی اطلاعات ناخوش و دستکاری شده روزنامه‌های مجاز حکایت از آن دار که گردانندگان دادگاه انقلاب اسلامی ارتش نتوانستند دلیل معقول و موثقی در اثبات جرائم واهی ارائه دهند. کچه رئیس و دادستان دادگاه کشیدند با توسل به انواع ترفندها جرائم ناکرده را به اثبات برسانند، افسران میهن پرست طبرقم فشار بی‌سابقه، در جریان دادرسی اتهام "سیا" ساخته جاسوسی و براندازی را قویا تکذیب کردند."

حتی آنچه به نام اصطلاح دفاع "متهمین" در رسانه‌های گروهی منتشر ساخته‌اند، بی‌گانه‌ی تام و تمام افسران میهن دوستی را که مجموعاً به ۷۰۰ سال زندان محکوم شده‌اند، به ثبوت می‌رساند. ما سعی می‌کنیم برخی از اظهارات آنها را در رد اتهام بی‌پایه و سخیف "جاسوسی" و "براندازی" به نقل از رسانه‌های گروهی عیناً به نظر خوانندگان برسانیم.

ناخدا یکم افضلی با منطق و ارائه دلیل کلبه اتهامات دادستان را دایره به دادن اطلاعات سری به حزب توده ایران رد کرد. سرگرد یاقر سایر اظهار داشت:

"من با حزب تماس داشتم و لحظه‌ای به مملکتم خیانت نکردم. سیف‌الله غیاثوند اعلام کرد که ۳۰ ماه در جیبه بوده و چندین بار زخمی شده، در این مدت هیچگاه از من خواسته نشد که اطلاعات بدهم و با توجه به اینکه از چگونگی عملیات‌ها اطلاع داشتم هرگز از من اطلاعات خواسته نشد."

ستوان یکم اسدالله دریک وندی:

"کوچکترین اطلاعات و اخبار را به مسئولین حزب ندادم."

محمد بهرامی نژاد:

"مسئولیت من تنها رساندن اطلاعاتها و تحلیل‌های حزب به افراد تحت مسئولیت بود و هرگز آنها را تشویق و ترغیب به کسب خبر از محل کارشان نمی‌کردم. من هیچ اطلاعاتی که ضرر برای انقلاب باشد و نیز هیچ اطلاعاتی از ارتش به حزب ندادم."

دکتر ایران نژاد:

"اتهاماتی که در مورد عضویت و حق عضویت بوده است را می‌پذیرم، ولی از مسئله براندازی و تشکیلات نظامی و جاسوسی هیچ خبری ندارم و در محیط نظامی هم نبودم."

سرهنگ هوشنگ عطاریان:

"من جاسوسی و اقدام علیه امنیت کشور و براندازی را قبول ندارم."

از طرف حزب اصلاً صحبت براندازی پیش نمی‌آمد.

خلیل قبادی آذر در دفاع از خود گفت که هیچگونه اخباری از محیط کار به رابط تشکیلاتی خود نداده است. علی اکبر میرزائی خاطر نشان کرد، اصلاً با مسائل سری آشنا نبوده و به آنها دسترسی نیز نداشته است و هیچگونه اخبار و اطلاعاتی هم نداده است. وی افزود:

"فعالیت ما تنها خواندن تحلیل‌های روزنامه مردم بود."

اکبرمبارای اظهار داشت:

"از آقایان که این جا حضور دارند بپرسید اگر خبری از آنها گرفتیم و به حزب دادیم این اتهام را می‌پذیریم."

و برای اینکه جای هیچگونه تردیدی باقی نماند، گفت:

"از هدف براندازی خیر نداشتم و من اتهام جاسوسی در مورد خود را اصلاً قبول ندارم."

استوار غلامعلی واحد در پاسخ به اصرار دادستان بار دیگر تکرار کرد: "چون موقعیت شغلی من طوری بود که به جیبه نمی‌رفتم، پس امکان ندا"

که خبری از جیبه به مسئول بدهم."

استوار یک نعمت علیخانی خطاب به حاکم شرع گفت، مسائلی که با دست

خود مطرح می‌کرده، مسائل جاری روز از جمله فرار بنی صدر بوده است. جم

موسی در پاسخ به دادستان اظهار داشت، از وی خواسته نشده که گزارش

تا کنون نیز گزارشی نداده است. وی افزود که:

"در حوزه‌ها فقط مسائل سیاسی را بررسی می‌کردیم."

همه "متهمین" بدون استثنا "اتهام" "سیا" ساخته جاسوسی و براند

رد کردند. در واقع در کیفرخواست دادستان آنچه به عنوان موارد جاسوس

شمرده شد نشانگر آن است که محافل قضائی، هیچ‌یک دلیل متوجه مشرو

اثبات اتهامات در دست ندارند. مثلاً دادستان، سرگرد هوائی صابر ظفر،

کرده که گویا کتاب، تکرار می‌کنیم کتاب سیستم‌های جنگی الکترونیکی نیروی هوایی

حزب داده است. کچه "متهم" این ادعا را رد کرد، با وجود این تکیه روی

"اتهام" می‌تواند اهمیت دادرسی را درج ۱۰۰ آن چنان که هست بر

سازد. وقتی می‌گویند "کتاب"، معنایش نوشته‌ای است که از طرف کس و یا که

تنظیم و به شکل جغفوعه‌ای برای استفاده علاقمندان منتشر می‌شود. انواع کتب

و مجلات اختصاصی از این قبیل در کتاب فروشی‌های سراسر جهان به فروش

آیا دادستان دادگاه نظامی به این حقیقت واقف نیست؟ وانگهی وی نمی‌داند

ایران دارای صنایع الکترونیک هوائی نیست و همه تجهیزات مشابه کنونی ایران

پیش از آمریکا خریداری شده و سری‌ترین آنها (نه برای ایران، بلکه برای

آمریکا) در جریان اوج نهضت انقلابی و روزهای نخست پس از انقلاب به کم

عالم امپریالیسم از ایران به عربستان سعودی و پاکستان انتقال داده شد و سوا

رژیم حتی جرئت بازگرداندن آنها را ندارند؟ مگر آقایان واقف نیستند که

اصطلاح اسرار نظامی ایران در هر زمینه، در درجه اول در دست ایالات مت

آمریکا است؟

آقای دادستان ناوروان عباس‌هاشمی نژاد را متهم می‌کنند که "گزارشاتی

مورد آسیب رسیدن به چند فرزند کشتی آذوقه را" به حزب داده و با پیروانی آن

جاسوسی می‌نماید. اگر دادستان بیدادگاه نظامی به اخبار رادیوی اسرائیل

بی‌بی سی و صدای آمریکا مراجعه کند، خواهد دید که چند ساعت پس از هر حمله

هوائی به ناوگان ایران، اخبار آن را در سراسر جهان پخش می‌شود.

در کیفرخواست گفته می‌شود محمد بهرامی نژاد در صد دینود، دقت کنید، در صد

بود. یک نوع موشک خاص از نیروی زمینی را تهیه کرده و به حزب بیاورد. "متهم"

در رد این اتهام ضحک گفت که:

"هرگز از وی موشک نخواسته‌اند و آوردن چنین موشک‌هایی از ارتش امکان

نداشت."

انگار دادستان بیدادگاه‌های نظامی عسوری در باره موشک ندارد. چون د

کشور بلاکشیده ما سبک‌ها را بسکه و سگ‌ها را رها کرده‌اند، کسی نمی‌تواند

حکام شرع بپرسد: مگر موشک قوطی کیریت است که بتوان آن را در جیب گذارد و

پادگان بیرون برد؟

"مهم‌ترین" مورد جاسوسی که به سرهنگ عطاریان نسبت داده شده، این

که به گفته دادستان جریان طبرس را به حزب خبر داده است. کیفرخواست هیچ

تنظیم شده انباشته از این‌گونه اتهامات "جاسوسی" است. ما تفاوت در

آنها را به عهده خود خوانندگان می‌گذاریم، نقطه می‌پرسم:

آیا اینست مفهوم عدل اسلامی که سران ج ۱۰۰ این همه دریا را شلیخ می‌کن

تقتیش عقاید

در اعلامیه کمیته مرکزی تصریح می‌شود:

"اکنون مردم ایران و جهان به خوبی می‌دانند، آنچه درج ۱۰۰ به پشت

محاکمه کشانده شده، عقاید و نظریات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اعضا

توده ایران است."

این ارزیابی از جریان دادرسی ادعا نیست، بلکه مستند بر فاکت‌ها و دلایل

انکار ناپذیر است. برای اثبات این نظر باز هم به اطلاعات ناخوش و دستک

زب تو ده ایران

روزنامه‌های مجاز مراجعه می‌کنیم.
ناخدا یکم افضلی در دفاع از عقاید خود، چنین گفت:
"در تحلیل‌هایی که برای خود داشتیم، برای فائق آمدن بر مشکلات مملکت و برودن جامعه به سوی عدل و قسط لزوم وجود یک حزب چپ را ضروری دانستیم، بنابراین با شمارهای مردمی حزب به راه حل مشکلات دست یابیم و خدمت‌رسانی را به ارمغان دهیم."

منطق ناخدا یکم افضلی روشن، بی‌پرده و برنده است. اوصیحا می‌گویند یگانگی ما هم "داشتن عقاید مترقی به قصد خدمت به مردم ایران است." پاسخ سخنان چگونه بود؟ وی می‌گوید:

"جمله‌ای که ایشان در رابطه با شروع فعالیت‌های سیاسی‌شان در حزب... بیان نمود، این بود که فساد و ظلم و جور و محرومیت را احساس و برای رفتن جامعه به سوی عدل لزوم یک حزب چپ را برای مملکت ضروری تشخیص می‌دادم. این سوال مطرح است آیا فعالیت شما این نظام را می‌شناختید یا نمی‌شناختید؟ اگر نمی‌شناختید چگونه متذکر فرزند کنید که برای هدایت جامعه به سوی تعادل، اینها می‌توانند کاری بکنند و اگر نمی‌شناختید، اطلاعات صحیحی که از جامعه شوروی در دسترس است که آنها هرگز در فشان عدالت و آزادی نیست."

آیا پس از این اظهار نظر دادستان دادگاه نظامی، سران حزب ۱۰ با اذعان نمودن عقاید و نظریات و عقاید حزب توده ایران را محاکمه نمی‌کنند؟ دادستان با "جامعه شوروی" و تحریف بی‌محابای جهان بینی سوسیالیسم علمی بی‌بهره و وجود مبارزه ایدئولوژیک اعتراف می‌کند. ما در اینجا قصد نداریم وارد درج جامعه شوروی شویم. دست آورد های عظیم سوسیالیسم به اندازه‌ای عیان که نیازی به تکرار ندارد. از اظهارات دادستان چنین برمی‌آید که اطلاعات در باره جامعه شوروی از دایره تفسیرهای مغرضانه رادیو اسرائیل و بی‌بی‌سی ای آمریکا تجاوز نمی‌کند. ولی او، قاعدتا می‌بایست از آنچه نظام حزب ۱۰ برای پلان کشیده ما به ارمغان آورده اطلاع دقیق داشته باشد. مگر او نمی‌داند که فقر و بی‌کاری و بی‌خانمانی، زندان و شکنجه و قتل و گزافی و تورم و جنگ بی‌جام و ورشکستگی اقتصادی مسترداف شده است؟

همان‌طور که محضاری با اشاره به پیروزی انقلاب و قطع دست‌آبای امپریالیسم را داشت:
"در این زمان خود را به عنوان یکی از افراد جامعه موظف دانستم که در تحکیم و پیشبرد انقلاب، فعالیت کنم." به همین سبب او، راه حزب توده ایران را برگزید.

سرگرد نیروی هوایی محمد رضا بهداد در تشریح انگیزه گرایش به حزب گفت:
"قبل از انقلاب با آمریکایی‌ها کار می‌کردم و می‌دیدم که فرمانده مزدور من در "هاینز" که شاه دوم ایران بود، درجه تیمساری خود را گرفت چگونه عید و یک گروهیانی آمریکایی بود و با من که یک افسر بودم برخورد و رفتار بسیار زننده داشت. دفاع بیگانه و بی‌قید و شرط حزب توده ایران از استقلال سیاسی، آزادی و نظامی ایران انگیزه بی‌پسندی وی به صفوف حزب توده ایران است. کارآموز منوچهر ذوالفقاری با اشاره به فقر و محرومیتی که در زمان شاه مخلوع شده و بدین نتیجه رسیده بود که:

"با پیوستن به حزب به انقلاب خدمت خواهم کرد."
سرگرد هوایی صابر ظفر حیدری در دفاع از عقاید خود اظهار داشت:
"... من که در عشق عدالت اجتماعی می‌سوختم از شعارها و تحلیل‌های توده ایران خوشم آمد و به همین علت جذب حزب شدم."
علی‌اکبر میرزایی به درستی خاطر نشان کرده که:
"من حق عضویت را نویی خدمت به مردم می‌دانستم."

حزب توده ایران پس از انقلاب با ارائه برنامه‌هایی باعث جذب جوانان مثل سرگرد باقر ساهر پس از تذکر این که خط حزب را جدا از خط انقلاب نمی‌دانست کرد که:

"به این جهت حداکثر کوشش و فعالیت خود را می‌کردم چون فکر می‌کردم بق خود را یافته‌ام." او اظهار داشت، با دیدن محرومیت‌ها و رنج‌ها به

این نتیجه رسیده که مارکسیسم تمام اینها را بر طرف می‌زند.
ستوان یکم اسدالله دریک وندی از جذابیت شعارهای اقتصادی حزب سخن گفت و مصطفوی و منوچهر ذوالفقاری عضویت در حزب توده ایران را برای دفاع از انقلاب ضروری شمردند.
پاسخ دادستان در همه موارد بی‌اثر خصلت سیاسی جریان دادرسی بود. مثلا وی در جلسه ۲۱ دی ماه در رد دفاع "متهمین" از عقاید خود منطقی صحیفی را مطرح ساخت و گفت: شما عضویت خود را در حزب توده ایران طرفداری از انقلاب ذکر کردید، در حالی که، مرام این حزب ضد اسلام است و این نمی‌تواند انگیزه خدمت محسوب شود."

بدینسان دادستان دادگاه‌های نظامی دانسته و یا ندانسته اعتراف کرده که آنچه به پشت میز محاکمه کشانده شده عقاید و نظریات حزب توده ایران است. و اما آنجا که وی مسئله "ضد اسلام" را پیش می‌کشد، آشکارا دروغ می‌گوید و سفسطه می‌کند. حزب توده ایران بارها در اسناد و مدارک خود بی‌پرده اعلام نموده است، که نه با اسلام، و نه با هیچ مذهب دیگری دشمنی ندارد. احترام اکید به باورهای مذهبی مردم یکی از اصول اساسی هر حزب طبقه کارگر و از جمله حزب توده ایران است. آقای دادستان با طرح این مطلب سراپا کذب، طوطی وار آنچه رونمال در ریگان می‌گوید تکرار می‌کند. و این تنها موردی نیست که دادستان همان‌تنی نظر با امپریالیسم تجاوز کار آمریکا دارد. همه می‌دانند که امپریالیسم آمریکا برای پیشبرد جنایات خود علیه خلق‌های مظلوم و استعمار ماهیت میثاق تجاوز کار خویش به تکرار "مداخله شوروی" در امور دیگر کشورها تمویل شده و بی‌خود. دادستان نظامی در نخستین جلسه دادرسی، در متن کیفرخواست به پیروی از بلندگوهای امپریالیسم آمریکا به ارزیابی و طرح افکار مادیون در "جهان اسلام" و "فرهنگ و تمدن اسلامی" پرداخت و گفت:

"... کودتاگرانی که در گذشته در تئوری مارکسیستی و لنینیستی انقلاب اجتماعی به طور رسمی مردود شده‌اند، جای تمامی قانونمندی‌های امپریالیسم تاریخی را گرفته و جایگاه ویژه‌ای در استراتژی پیراندازی و مداخله گزایانه مسکو در جهان سوم یافته است."

متن کیفرخواست دادستان ج ۱۰ در دادگاه نظامی بی‌اختیار متن سخن پررکتی‌های صدای آمریکا و رادیو اسرائیل و سخنان رونالد ریگان رئیس‌جمهوری آمریکا، کاسبار و این برگر رهبر پنتاگون، برژنفسکی و کیسینجر و غیره را در خاطرها زنده می‌کند. آقای دادستان به خوبی می‌داند که "کودتاگرانی" از ویژگی‌های امپریالیسم آمریکا است. مگر وی نمی‌داند که کودتای در شیلی، در گواتمالا، در هند و ژاپن، در هائیتی، در چاد و غیره را سازمان جهانی سیا سازمان داد؟ آیا او واقف نیست که همین سازمان جهانی در صد سرنگون ساختن حکومت‌های قانونی نیکار گرفته، کوبا، لیبی، اتیوپی، سوریه، کامبوج، لاوس و دیگر کشورهای "جهان سوم" است؟ او و همکارانش این حقیق را می‌دانند ولی ما می‌زنند و معذور آنها ما مهر توجیه توطئه بی‌سابقه "سیا" علیه حزب توده ایران اند و به همین سبب حقیق را تحریف و وارونه جلوه گر می‌سازند. آنها ما را "تیرک" سیاست چرخش به راست هیئت حاکمه ج ۱۰ هستند.

آقای محمد کربیی در مقاله‌ای که در شماره ۱۷ دی ماه روزنامه "اطلاعات" منتشر ساخت ناآگاه گوشه‌ای از حقیق را فاش می‌سازد. او می‌نویسد:

"از جمله مسائل که انقلاب اسلامی تاکنون با آن مواجه بوده، تبعیضت وابستگی به شرق و گم نهادن در مسیر وابستگی به شوروی بوده است. این تبعیضت بی‌دلیل مدام از سوی رسانه‌های تبلیغاتی فسرپ تکرار می‌شد و حتی بر این اساس به برخی از مسئولین انقلاب اسلامی نیز در این مورد اتهام وارد می‌گردید. چنین است محتوای توطئه "سیا" - جنگ روانی "خطر کمونیسم" که "سیا" مبتکر آن بود و رسانه‌های گروهی غرب به آن دامن می‌زدند، هدفش شمشعی داشت: جدا کردن ایران از متحد طبیعی آن اتحاد شوروی. این همان توصیه مشهور برژنفسکی به سازمان جاسوسی آمریکا و عقال امپریالیسم در ایران است، که همه مردم ایران و از جمله سران ج ۱۰ از آن باخبرند. آیا سردمداران رژیم که خود دست‌اندرکارند، نمی‌دانستند که در طریق به اصطلاح وابستگی به شرق گم برنی‌دانستند؟ آیا آنها نمی‌دانستند که هر روز بیشتر کشور را به عرصه ناخوش و ناآرامی امپریالیستی مبدل می‌ساختند؟ پاسخ روشن است. آنها به خوبی از آنچه پشت پرده می‌گذشت آگاه بودند. چرخش به راست در سیاست مستلزم "گام عملی" برای جلب نظر امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بود. بی‌سبب نیست که آقای محمد کربیی می‌نویسد:

"دستگیری سران حزب توده... بر روی‌های یافته شده به وسیله فریب‌ها خط‌بطلان کشید و به تمام معنا اصلت و حقانیت انقلاب را در مسیر نه شرقی عینه فریبی به نمایش گذارد..."
در این که نویسنده "اطلاعات" سفسطه می‌کند تردیدی نیست. یورش به حزب توده ایران فقط و فقط یک هدف داشت و آن نزدیکی هرچه بیشتر به امپریالیسم بود. سران ج ۱۰ یا "جبهه عمل" پشیمانند به توطئه "سیا" اصلت نه شرقی و فقط فریب "سیاست ایران بر باد ده خود را به نمایش گذاردند."

در جمهوری اسلامی جان مردم ارزشی ندارد

روزی نیست که در صفحات جراید کشورمان به خبرهای کوتاهی که از کشته شدن عده‌ای بی گناه حکایت دارد، برخوردیم؛ در اثر خفگی گاز ۱۰ نفر نابود می‌شوند، در برخورد مینی بوس با اتوبوس سی نفر می‌میرند، چند نفر از ساختمان پلاسکو و ساختمان شرکت تلفن خود را به زمین پرتاب می‌کنند و به زندگی پررنج خود پایان می‌دهند، کامیونی اعضای یک خانواده را که کنار جاده دراز کشیده‌اند، زیر چرخهای خود لهه می‌کند، مردی دو وزن را با گلوله می‌کشد، ۲ دختر شانزده ساله را سر می‌برند، اسکلت دختر بچه چهار ساله‌ای کشف می‌شود و بالاخره قاتل فراری زمان شاه، یکنفر را می‌کشد.

اینها بزرگید ما خیاری است که فقط در چند شماره اطلاعات چاپ شده است. این قسمت ناسازگار چیزی از مرگ و میر زود رس هموطنان ما است که گوشه و کنار کشورمان رخ می‌دهد و مسئولین امر، بی اعتنا از کنار آن عبور می‌کنند.

این قربانیان بی گناه را باید بر تعداد بی شمار کسانی که پای دیوارها اعدام می‌شوند، یا زیر شکنجه جان می‌دهند و یا پیش از همه در جنگ خانان‌سوز و بی‌مهود، ایران و عراق طعمه تپهها و تانکها، بمبارانها و موتکاندانزیاها می‌گردند اضافه کرد.

کشور ما بعد از انقلاب به جای شکوفایی به گورستان تبدیل می‌گردد.

دو وزن جوانی که در ارومیه، دو دختر ۱۴ ساله خود را برای نام نویسی به مدرسه می‌برند خودشان و دخترهایشان به دست سزایدار و همکارش کشته می‌شوند. افسر آگاهی ارومیه با بی تفاوتی می‌گوید "چندی قبل در همین مدرسه، زنی را می‌خواستند بکشند که با جیبخوداد از دست جانپان خود فرار کرد" (اطلاعات ۱۷ مرداد ۶۲).

در تهران رئیس کلانتری می‌گوید "قاتل فراری، زمان شاه به علت قتل زندانی بود، ولی بعد از انقلاب فرار کرد" (اطلاعات ۸ مرداد ۶۲).

افسر کلانتری ۲ تهران نیز، در مصاحبه‌ای در تاریخ ۴ اسفند ۶۱ می‌گوید "جلوی پنجره خانه‌تان نرده بکشید، دزد گیر نصب کنید و در حفاظت خانه‌های خود بکوشید".

این بی توجهی مسئولین انتظامی به زندگی مردم و عدم احساس مسئولیت در قبال جنایات یا تصادفاتی که منجر به مرگ دسته جمعی مردم می‌شود نیست. جان مردم در جمهوری اسلامی ایران بی ارزش شده است. فقر، گرسنگی، بیکاری و ترس از فردا، که شرارت خودبخودی پبحسران اقتصادی - اجتماعی حاکم بر مین ما است، ملذ اصلی این جنایات است. فقر، زاینده فساد است زمامداران کنونی ایران، به هیچکدام از وعده‌های خود برای بهبود زندگی مردم، برای از بین بردن اختلافات طبقاتی و برقراری عدالت اجتماعی وفا نکردند. امروز می‌توان همان دزد های زلفن شاه را، در لابلای روزنامه‌ها پیدا کرد؛ در سال ۱۳۵۰ روز نیم آذر، "ایران نوین" ارگان حزب شاه ساخته نوشته بود "مردم جنوب شهر همان مالیات را می‌دهند که شمال شهری‌ها میپردازند ولی آیا جنوب شهر با شمال شهر را میتوان با هم مقایسه کرد؟" حالا هم روزنامه اطلاعات در شماره ۱۴ تیرماه خود می‌نویسد "یکنفر از ساکنان جنوب شهر می‌گوید در حالیکه کودکان مادر خود در یک لیوان آب صرفه جویی می‌کنند، شمال شهرها باغچه‌های بزرگ زینتی خود را با آب لوله کشی آبیاری می‌کنند، ماشینهای خود را می‌شویند و هر روز استخرهایشان را پر و خالی می‌کنند".

"ایران نوین" در اول اسفند ۵۰ نوشته بود "حالا که قیمتها را نمی‌توانید پائین بیاورید؛ لااقل از بالا رفتن آن جلوگیری کنید" و "باید با گزائی محترمانه و دلانها مبارزه شود" (سیسی آپان ۱۳۵۰) اطلاعات نیز در ۲۲ خرداد ۶۲ می‌نویسد "گزائی و احتکار" فریاد ملت را بلند کرده است. "ایران نوین" در ۱۲ اردیبهشت ۵۰ نوشته بود "ولگردها را از خیابانها جمع کنید" حالا هم اطلاعات در ۲۸ تیرماه ۶۲ می‌نویسد "در میدان هاشمی، عده‌ای بیکار موجب راه‌بندان می‌شوند" چنانکه دیده میشود منظره همانست که زمان شاه بود، گزائی، بیکاری و فقر برای اکثریت مردم و تجمل، باغهای زینتی ویلاهای بزرگ و ماشینهای متعدد برای "شمال شهرها".

نقش مسئولین جدید وزارت کار

پس از اوج گیری مبارزات وسیع و همه جانبه طبقه کارگر که سیاست‌های خشن ضد کارگری طرفداران کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی را با شکست مواجه کرد، اقدامات کارگرمستیزانه رژیم، به مرحله جدیدی پا گذاشت این مرحله با سرکوب شدید و خونین حزب طبقه کارگر، حزب توده ایران و دیگر سازمان‌ها و نشریات کارگری شروع شد.

قدم بعدی در این مرحله، تعویض چهره خشن و رسوا شده، توتلی با چهره‌های "ظاهر اصلاح" دیگر بود. از این روست که افرادی چون سرحدی زاده، کمال کنجهای، محمد سلامتی و... عهده دار پست‌های رهبری وزارت کار می‌شوند.

وظیفه این گروه، اجرای رهنمودهای تبلیغاتی حاکمیت، جهت سرگرم کردن کارگران و جلب اعتماد آنها است تا رژیم بتواند سیاست‌های ضد کارگری خود را، که در اصول کلی خود مشابه سیاست‌های ضد کارگری توتلی است، در قالب‌های "قابل قبول" عرضه کند.

در همین رابطه رئیس‌جمهور در دیدار اخیر خود با اعضای شورای مرکزی خانه کارگر، از "لزوم انجام کارهای فرهنگی و تبلیغاتی برای کارگران" سخن گفت و هشدار داد که:

"مسئولین باید با تبلیغات صحیح آنان را از گرایشات انحرافی... مصون دارند."

به همین منظر، مسئولین جدید وزارت کار مرتب به شهرهای مختلف سفر می‌کنند، مصاحبه پشت مصاحبه ترتیب می‌دهند و با ابراز نظریات در تمام زمینه‌های تظاهر می‌کنند که گویا در غم کارگران‌اند. اما واقعیت خلاف آن را نشان

می‌دهد.

کارنامه نزدیک به شش ماه تصدی این مسئولین جدید در وزارت کار، حاکی از آن است که در واقع خطوط اصلی سیاست‌های ضد کارگری توتلی، زیر پوشش این چهره‌ها به اجرا درمی‌آید.

این خطخط اصلی عبارت‌اند از:

- تبلیغ سازش طبقاتی جهت جلوگیری از رشد آگاهی طبقاتی کارگران؛
- دفاع از کارفرمایان در گفتار و به ویژه در کردار؛
- تشدید سیاست سرکوب تشکل‌های صنفی و جلوگیری از تشکیل سازمانهای صنفی مستقل کارگری؛
- ادامه سیاست تدوین قانون کار پشت درهای بسته؛
- امتناع از پذیرفتن خواسته‌های به حق کارگران؛
- تأکید اخراج‌های وسیع کارگری در عمل؛
- رد کردن خواست اضافه دستمزد؛
- امتناع از انجام طرح طبقه بندی مشاغل؛
- اجرای تشدید سیاست طبقاتی کردن بیمه کارگران به ضرر کارگران؛
- عدم اجرای هیچگونه برنامه آموزشی و حرفه‌ای پیشرفته و انجام طرح ارتجاعی "استعداد و شاگردی" به جای آن.
- در دیگر عرصه‌های مشکلات و مسائل کارگری چون سوانح صنعتی، بازنشستگی، کارزندان و کودکان و... نیز همان محتوای سیاست‌های ضد کارگری توتلی در اشلال نوین تداوم یافته است.
- در چنین شرایطی کارگران حق دارند سوال کنند: مسئولین جدید وزارت کار، چه چیز تازه‌ای برای ما به ارمغان آوردند؟

دستگاههای انتظامی کشور، به جای حفاظت از مردم، به جای نظارت بر اجرای قوانین رانندگی، به جای مبارزه با دزدان و آدمکشان، تمام نیروی خود را صرف سرکوب حزب توده ایران و کارگران زحمتکشانی می‌کند که حق خود را می‌طلبند. حتی در مجلس گفته شد که برخی از کارگرمندان، جلوی کارگران دیگر شلاق زده‌اند (اطلاعات ۵ مرداد ۶۲).

وعده‌های امروزی حاکمان ج ۱۰، نیز، هر چه بیشتر وعده‌های انقلاب سفید شاه شباهت می‌یابد

پیرامون انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی

بقیه از صفحه ۶

(۳ آذر ۶۲) در تفسیر اظهارات آقای منتظری پیرامون " افراط نکردن در تشریفات حفاظتی و ساده زیستن " اظهار داشت:

" ما روحانیون قبل از انقلاب در مناسبت ها و سخنرانیها به مردم گفته ایم که حضرت امیرالمؤمنین در دوران حکومت بی ریاء، تکلف و دربین مردم بوده ... و اکنون مردم منتظرند که ببینند آیا همان کسانی که مدعی این حرفها بوده اند و حالا در رأس حکومت قرار گرفته اند، عامل این حرفهای خودشان هستند یا نیستند "

چنانکه می بینید خانه از پای بست و سران است ... پنج سال زمان کافی برای ارزیابی اعمال حکام ج ۱۰ است ... مردم در پهنه عمل مشاهده کرده اند، که حکام جدید پای بند وعده های خود نیستند و اعتقادات توده ها مدت ها است زیر سؤال قرار دارد .

" مسئولی که غذایش با غذای مردم فرق می کند و نه در صفتان و نه در صفت گوشت و نه در صفات نموس هست، خواه ناخواه نمی تواند مردم را درک کند "

زندگی در کاخ و زندگی در محل رفاه ، اثر موضعی اش اینست که او را بی خبر از جامعه می کند و مردم را نسبت به او منزوی می کند " و بالاخره فساد در جامعه ایجاد می شود .

علل منزوی شدن سران ج ۱۰ در زمان و انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی و گسترش فساد را هم باید در لابلای اظهارات با احتیاط آقای محسن رها می پیکای کرد - وی نیز اعتراف می کند که سران ج ۱۰ هم پا جای پای هزار فامیل ساکنین کاخ ها گذاشته اند .

چه کسانی حق انتخاب شدن دارند؟

آقای جنتی در خطبه نماز جمعه قم اعلام کرد:

" انتخابات از مسائل بزرگ کشور ما است . مسئله مجلس اگر درست شد می توان تمام مشغولات را کم و بیش درست کرد و اگر آنها خراب باشد همه جا خراب خواهد شد " (جمهوری اسلامی ۱۲ آذر ماه ۶۲) .

حق با آقای جنتی است . علت اینکه پس از گذشت سه سال کشور در منجلا ب فقر و قیلاکت و بیکاری و گرانی و بی خانمانی ، و احتکار فرورفته ، وجود " مجلس خرابی " است ، کسسه اکثریت نمایندگان آن را حزب ج ۱۰ تعیین کرده بود . و امروز هم همان حزب که در مرکز رهبریش بازرگانان کلان و صاحبان سیم و زر فرمان - روائی می کنند ، در صد دست عاملین خود را دوباره از صندوق ها بیرون آورد . تشکیل سینار فرمانداران و بخشداران ، سینار شوراهای ائمه جمعه استانهای کشور و دیگر جلسات آشکار و پنهان با شرکت مهره های درشت رژیم فقط یک هدف را تعقیب می دند : ادامه سیاست ایران پر بادده حزب ج ۱۰ در مجلس و دولت .

آقای خامنه ای دبیر کل حزب و رئیس جمهوری در سینار فرمانداران و بخشداران در باره آزادی انتخابات گفت :

" این يك شعار توخالی نیست . این يك كار جدی است . ما امروز داریم در میان برادرانی که در زمینه مسائل نامزدهای انتخاباتی کاری کنند ؛ جدا تلاش می کنیم که مسئله آزادی تا آنجائی که به تعیین کنندگان نامزدها مربوط است ، تأمین شود " (اطلاعات ۱۲ دی ماه ۶۲) .

رئیس جمهوری آزادی انتخابات را به آزادی تعیین نامزدها و یا به بیان روشن تر آزادی تقسیم کرسی های دوره دوم مجلس شورای اسلامی بین هواداران " خط " ها و " طیف " های گوناگون محدود می کند . درست به همین دلیل در اعلامیه مشترک گفته می شود ، رژیم " خود را آماده

می سازند تا با حربه ارباب و تهدید ، با ستم استفاده از اعتقادات پاك مذهبی و با توسل به تقلب و تحویض سند وقهای انتخاباتی به فهرست تحمیلی و انتصابی رنگ انتخابی بزند " .

در سینار شوراهای ائمه جمعه ، سخنرانان مسئله " ضرورت دخالت در انتخابات را آشکارا مطرح کردند . حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی از جمله گفت :

" در مورد انتخابات کسانی باید انتخاب شوند که مسائل اساسی را فراموش نکنند ، تریبون مجلس جای خطرناکی می باشد ... ما امروز باید از گذشته عبرت بگیریم و رسماً در انتخابات دخالت کنیم ... " (اطلاعات ۲۲ آذر ماه ۶۲) .

این اظهار نظر رئیس مجلس شورای اسلامی نیازی به تفسیر ندارد ، فقط باید دید دخالت رسمی در انتخابات هدفش چیست و چه کسانی باید از تریبون مجلس استفاده نکنند . آقای جنتی می گوید " گروه های چپ " ، یعنی انقلابیون واقعی و نیروهای ملی و مترقی نباید به مجلس راه یابند (اطلاعات ۱۰ آذر ماه ۶۲) . در این صورت آقای رئیس جمهور چه کسانی را به عنوان نامزد تعیین می کنند ؟ آقای خلخالی به این سؤال چنین پاسخ می دهد :

" در باره انتخابات می خواهم بگویم مسئله خیلی حساس است ، بعضی ها هستند نمی دانم چه دارند که بعضی ها را منفی می کنند و بعضی ها را مثبت نم نوری از بعضی ها دارم که آنها را مثبت حساب کردند ، در سال ۵۶ دعا به اعلیحضرت می کردند و تازه دعا را هم توجیه می کردند ، آقایان يك قدری دقت کنید ... آنها سا جوانرانی هستند که ۱۸۰ درجه تغییر جهت می دهند ... " (کیهان ۱۹ آذر ماه ۶۲) .

دوره دوم مجلس شورای اسلامی انباشته از این گونه " جانوران " خواهد شد . آیا آقای خامنه ای باز هم خواهند گفت که آزادی انتخابات " يك شعار توخالی نیست ؟ در کشوری که ابتدائی ترین حقوق و آزادی های دموکراتیک شهروندان زیر پا گذاشته شده و سر - نیزه زندان و شکنجه و مرگ حکمروائی می کند ، سخن از آزادی انتخابات به میان آوردن آب در فرال کردن است . در اعلامیه مشترک خاطره - نشان می شود :

" دادن رأی مخالف به فهرست نامزدهای معرفی شده از طرف نهاد های وابسته به حکام ج ۱۰ به معنای نفی سیاست های ارتجاعی ج ۱۰ ، به معنای پایان دادن به جنگ ایسران و عراق و جنگ برادر کشی در کردستان ، به معنای خواست آزادی دهها هزار انسان بی گناه در بند ، به معنای پایان دادن به محاکمات فرمایشی و اعدام صیحه در استان ، به معنای طرد عمل امپریالیسم و ارتجاع از حاکمیت و بالاخره ردا ز پیش قوانین ارتجاعی و ضد مردمی است ، که در دوره دوم مجلس شورای اسلامی در صدد تدوین و تکمیل آنند " .

ما اعتقاد راسخ داریم ، که همه نیروهای ملی و مترقی و ضد امپریالیستی در این راه گام بر - خواهند داشت .

سه جنبه سیاست ضد کارگری رژیم

" وجه المله " : محمد سلامتی معاون وزیر کار در دیدار از کارخانه ارج ، کارگران را به تولید بیشتر تشویق می کند و به آنها وعده می دهد که قانون کار تدوین شده ، مدافع حقوقشان خواهد بود .

سیاست تبلیغات ضد کمونیستی

سیاست تبلیغات ضد کمونیستی مکمل سیاست های ضد کارگری رژیم است . در مراسمی که به مناسبت سالگرد انقلاب در کارخانه " هیکسودر " اراک برگزار شد ، فیلم ضد کمونیستی " اعتراف " برای کارگران به نمایش درآمد .

حسین کمالی نیز در مراسم مشابهی در شهرک صنعتی البرز ، بخش مهمی از سخنان خود را به تهمت و افترا به اتحاد شوروی اختصاص داد .

سیاست سرکوب کارگران

سیاست سرکوب کارگران با استفاده از سر - کوب گسران یا سابقه ؛ در شرایط اوج گیری اعتراضات کارگران گیلان ، از جمله در کارخانجات ایران - رشت ، توشیبا ، چونا و ...

حجت الاسلام ایمانی به سرپرستی اداره کل کار و امر اجتماعی این استان منصوب می شود . او در سال ۱۳۶۰ ، عامل کشتار جوانان انقلابی بهشهر بود . در سال ۱۳۶۱ ، با سمت حاکم شرع دادگاه انقلاب مستقر در وزارت کار ، کارگران حق طلب را در زیر زمین این وزارت خانه زندانی می کرد و زیر شلاق می گرفت .

سیاست عوام فریبی

سیاست عوام فریبی تحت پوشش چهره های

در هفته ای که گذشت:

پیمانهای نظامی، ابزار سلطه جویی امپریالیسم در منطقه

امپریالیسم آمریکا، هم زمان با جنگ اعلام شده علیه مثل منطقه، می کوشد با تشکیل پیمان های نظامی گوناگون، حلقه های زنجیر کمربندی اعمال قدرت خویش را تکمیل کند.

در هفته گذشته، خبرگزاری های کشورهای غربی اعلام کردند عربستان سعودی و سایر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس از ترکیه خواستند که به " شورای همکاری خلیج " بپیوندد و دیدین طریق با بهره گیری از عضویت ترکیه در این " شورا " حیطه فعالیت پیمان تجاویز کار ناتو را به خلیج فارس بکشاند.

لازم به یاد آوری است که " شورای همکاری خلیج " با کوشش و نظارت امپریالیسم آمریکا پیچیده آمد و هدف از تشکیل آن چیزی جز بر آوردن مقاصد آزمندانه و حفظ " منافع حیاتی " امپریالیسم آمریکا نبوده و نیست!

امپریالیسم آمریکا با فروش جنگ افزارهای پیشرفته و گسیل نیروهای مسلح به عنوان مستشاران نظامی، به تقویت این حکومت های ارتجاعی می پردازد، تا جنبش های رهائی بخش و حق طلبانه منطقه را با توسل به زور و اسلحه و کمک این نیروها سرکوب کند. از همین رو، امپریالیسم آمریکا می کوشد از بد و تشکیل این " شورا " دامنه آن را گسترش دهد و سایر کشورها را نیز به این پیمان نظامی جلب کند.

حکام ج ۱۰ نیز که آرزوی ژاندارمی منطقه را در سر می پروراند، چندی پیش از زبان آقای موسوی نخست وزیر در مصاحبه ای با مجله کویتی صوت الخلیج، تقاضای شردت در این " شورا " را چنین بیان کرد ماند:

" این طرح کامل نمی شود، مگر اینکه ج ۱۰ به عنوان مهم ترین و قوی ترین کشور منطقه در آن مشارکت داشته باشد " (اطلاعات ۱۴ شهریور ۶۲)

به دنبال احیای پیمان عمران منطقه ای (آر - سی - دی) و بی ریزی دوباره پیمان تجاویز کار سنتوبه وسیله ایران، ترکیه و پاکستان، اینک با دعوت از ترکیه، عضو پیمان ناتو، همکاری امپریالیسم آمریکا و دوست ج ۱۰، گام دیگری برای تقویت نظامی " شورای همکاری خلیج " برداشته شد.

دم خروس یا قسم حضرت عباس

در هفته گذشته، هجرت الاسلام بجنوردی پیرامون رفتار ج ۱۰ با " مرتدین فطری " از جمله " مارکسیست ها " گفت:

" ج ۱۰ به خاطر رأفتی که دارد، کسی را

به جرم مرتد فطری بودنش مجازات نمی کند، مگر اینکه اینها با محارب بودنش ملازم داشته باشند " (اطلاعات ۱۵ بهمن ۶۲)

این سخنان هنگامی بر زبان آقای بجنوردی جاری می شود که سرکوب خونین هزاران توده ای و فدائی و صدها مبارز دیگر ضد امپریالیست و دگر اندیش به مرحله اجرا درآمده و بحکام جابرانه بیدادگاه های نظامی ج ۱۰ در مورد افسرین میهن دوست و برخی از اعضا " حزب توده " ایران به مرحله اجرا گذاشته می شود. وهم اکنون در شهرهای تبریز و بوشهر و شاهرود و رشیت و لاهیجان و کرمان و شیراز و سایر شهرهای ایران محاکمات فرمایشی آنان، بر طبق " دستور العمل های ارسالی " آغاز شده یا ادامه دارد و حتی در بسیاری از موارد احکام این بیدادگاه ها صادر هم شده است.

این واقعیت دیگر بر کسی پوشیده نیست رهبران ج ۱۰ می کوشند با داغ و درفش و شلاق و شکنجه های جسمی و روحی و برپایی بیدادگاه های نظامی در سته و صدور احکام ضد قانونی اعدام و تیرباران و زندانهای طویل المدت، مدافعان انقلاب و مردم را به منظور رسیدن به اهداف خیانت بار خود در پیشگاه امپریالیسم قربانی کنند.

در این هفته نیز، سازمان عفو بین المللی ضمن انتشار بیانیه ای، دولت ایران را به خاطر برگزاری محاکمات غیر عادلانه، شکنجه و اعدام های بی رویه، مخالفان خود محکم کرد و گزارش داد در زندانهای ایران از اعمال هیولانه شکنجه ای فروگذار نمی شود.

به رغم این واقعیت و اعتراضات گسترده احزاب، سازمانها و مردم متمدن جهان، کشور ما همچنان به صحنه محاکمه دگراندیشانی بسدل شده است که در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی فعالان مبارزه کرده اند و از ایثار جان خود نیز دریغ نداشته اند.

مردم ایران و جهان این قسم های آقاسی بجنوردی را مدتهاست که باور ندارند و به خوبی می دانند هزاران زن و مرد و پیر و جوانی که در سیاه چالهای اوین و کمیته مشترک و قزل قلعه و قزل حصار و صدها زندان دیگر مورد " پد یابی " قرار می گیرند، تنها به جرم " داشتن عقاید سیاسی متفاوت با هیأت حاکمه است "

افتخار به خیانت

بهبزاد تبری، وزیر صنایع سنگین در يك مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران داخلی و خارجی از این که دولت متبوعی به پیروی از سیاست " نه شرقی، بلکه فقط غربی " حاکمیت، " تلاش " می - می کند روابط ایران و شوروی را در زمینه " صنایع سنگین " کاهش دهد و آلمان فدرال را به عنوان بزرگ ترین شریک خارجی ج ۱۰ " در این بخش قطعی سازد، ابراز خوشحالی کرد و گفت:

" کشور ما در حال حاضر روابط چندانی با

دولت شوروی در مورد صنایع سنگین ندارد. زمینه این همکاری ها نیز در آینده مشهود نیست. ۰۰۰ تلاش دولت ج ۱۰ نیز در جهت کاهش این ارتباطات می باشد ۰۰۰ (اطلاعات ۸ بهمن)

آقای وزیر صنایع سنگین البته بر این واقعیت هم تأکید کرد که:

" در مورد وب آهن نیز، این واحد در ایست توسط شوروی طراحی و به اجرا درآمد ۰۰۰ " ولی یاد آور شد که دولت شوروی، برآء نصب این صنعت مادر، حتی يك ریال هم از این مللکت دریافت نکرد و تمامی این پروژه " عظیم " را در ازای گازی که از ابتدای استخراج نفت کشور ما سوزانده می شد و اکنون نیز از برکت سیاست های خائسانه " سران ج ۱۰ سوزانده می شود و به هدر می رود، تکمیل کرد و برای بهره برداری آماده ساخت "

در عوض، آقای وزیر از جان نشین غربی " شریک بازرگانی خارجی " دولت متبوعی با افتخار سخن گفت و تأکید کرد:

" در حال حاضر آلمان فدرال، بزرگترین شریک بازرگانی خارجی ج ۱۰ در بخش صنایع سنگین است "

و از آن جا که خود آقای وزیر، به خصوص می داند سرشت روابطی که چنین شرکایی با کشورهایی نظیر ایران برقرار می کنند، غارتگران اسارت بار است و در برابر کمترین " کمک " فتنه و صنعتی خود بیشترین سهم را از " ثروت های خدادادی " میهن ما می طلبند، آنان را مطمئن می سازد و به سهم خود، تأمین " منافع " امپریالیسم غرب را تضمین می کند:

" وضع ما با بسیاری از کشورهای انقلابی دیگر متفاوت است. ایران کشوری است که به حجم عظیمی از صادرات نفت و ثروت های خدا دادی، به عنوان کشور ثروتمند مطرح می باشد "

در واقع باید گفت برای کسانی که می گویند:

" اقتصاد ایران، عقب از انقلاب، به مقدار زیادی وابسته به کشورهای سلطه گریه است، نمی توان با قطع صد در صد واردات، نیازهای کشور را بر طرف کرد ۰۰۰ "

یعنی از تزلیلیالی " چون وابسته بودیم باید وابسته بمانیم! " طرفداری می کنند، " افتخار به خیانت "، زیر پوشش شعار " نه شرقی، نه غربی " چندان حیرت آور نیست!

"خانه تکانی"

به سود بخش خصوصی

سید مهدی طباطبائی، به دنبال اعلام "خانه تکانی" در بنیاد مستضعفان، چوب حراج اموال این بنیاد را به صدا در آورد در مصاحبه مطبوعاتی هفته گذشته، خود گفت:

" مزارع کوچک و کارگاه های تولیدی کوچک به مردم و بخش خصوصی واگذار خواهد شد " (کیهان ۱۸ بهمن)

ناگفته پیداست، احتساب " مردم " در کنار بقیه در صفحه ۱۳

درفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲
 "بخش خصوصی" به عنوان کسانی که مزارع و کارگاه ها به آنان واگذار می شود، تنها پوشش شرعی "ای است که آقای طباطبائی می کوشد بر روی سیاست های ضد مردمی و خائنانه ج ۱۰ بکشد. وگرنه این واقعیت دردناک که مردمی که حتی توان تأمین ضروریات معیشتی خود و خانواده خود را ندارند، هرگز قادر نیستند در این میدان با "بخش خصوصی" به رقابت بپردازند، روشن تر از آن است که کتمان پذیر باشد.

آقای طباطبائی در همین مصاحبه، آمار ناقصی از "اموال" این بنیاد را هم ارائه می دهد که عبارتست از:

"۷۰ میلیارد تومان زمین های موات و زمین شهری، ۵۰۰ میلیون تومان زمین هایی که به هیأت هفت نفره تحویل داده شده و یا خواهد شد، ۹ میلیارد ها تومان ساختمان و دیگر اموال، ۹ شرکت هواپیمائی و صدعا شرکت ساختمانی و بازرگانی ۱۴۰۰۰۰ شرکت پیمانکاری ساختمانی و ۲۰۰ کارخانه، ۵۰ معدن کوچک و بزرگ و ۵۰۰ واحد تولیدی و ۲۰ هزار واحد مستغلات ۰۰۰ و در عین حال مقدار قابل توجهی طلا و جواهر داریم که باید در خدمت مستضعفین قرار دهیم و مقدار زیادی عتیقه موجود است که در تهران به معرض نمایش گذاشته خواهد شد" (اطلاعات ۱۷ بهمن)

سرپرست بنیاد مستضعفان همچنین اضافه می کند:

"تقریباً ۱۵ درصد صنایع کشور، توسط بنیاد اداره می شود. ۰۰۰"

البته این آمار، تنها بیانگر گوشه کوچکی از اموال بنیاد مستضعفین است ولی همین قدر هم کافی است تا میزان سودی که بخش خصوصی، پس از "خانه تنائی" بنیاد مستضعفین به جیب می زند، روشن گردد!

روستائیان از محکومین بدترند

مهاجرت روستائیان از زمین رانده به شهرها، همچنان به عنوان يك "معضل لاینحل" در مقابل دولت ج ۱۰ باقی مانده است. سردمداران ج ۱۰ برای مهار کردن آن تنها به شیوه "تهدید و ارعاب و متهم کردن روستائیان، به عنوان عاملان اصلی" به وجود آوردن این وضع بسنده می کنند و در مقابل با تصویب و اجرای لوایح و مواد "واحد" و "پشتیبانی مسلحانه از "خان های به وطن بازگشته"، به گسترش و خامت اوضاع یاری می رسانند.

محمد بنی حبیبی، شهردار جدید تهران در این رابطه می گوید:

"در يك بررسی که در استانداری تهران انجام دادیم، به طور مقدماتی متأسفانه آماري به دست آمد که روزانه حدود ۱۵۰۰ نفر مهاجر جدید وارد مناطق ۲۰ گانه شهر تهران می شوند. اگر حواشی شهر تهران را نیز به ایسن اضافه کنیم، رقم سرسام آوری خواهد بود که ایسن

رقم پشت هر کسی را می تواند بپردازد" (کیهان ۱۵ دی)

البته این آمار که "به طور مقدماتی" به دست آمده، تنها به مناطق ۲۰ گانه شهر تهران اختصاص دارد و روستائیان که به حواشی و مناطق مختلف شهرهای دیگر ایران مهاجرت می کنند، در بر نمی گیرد.

در مصاحبه آقای شهردار، هم چنین بجای بررسی علل و انگیزه های روستائیان برای مهاجرت خالی است. ولی هم ایشان و هم سیاست گزاران رژیم به خوبی می دانند چرا "هفت روستای ابهر در ماه های اخیر به کلی از سکنه خالی شده است" (کیهان ۱۵ آذر)

رئیس جمهور آگاهانه و برخلاف آنچه که خود می داند، عامل اصلی این مسئله را شیفتگی روستائیان در مقابل "زرق و برق شهر" معرفی می کند. وزیر کشور، برای ریختن آب تطهیر بر روی عوامل واقعی "فساد اخلاقی" که ریشه در فساد دستگاه حاکمیت ج ۱۰ دارد، دهقانان را "یکی از علل فساد اخلاقی" می نامد و اخیراً آیت الله جنتی، امام جمعه موقت قم روستائیان را از محکوم و زنا کار هم "بدتر" شمرده است و می کوشد زندگی پر درد روستائیان را باز هم تلخ تر سازد. وی می گوید:

"يك روستائی برای اینکه يك قدری آن رفاه مورد نظرش را در روستا نمی بیند، راه شهر را در پیش بگیرد. ۰۰۰ این گناه است. ۰۰۰ و بسا هیچ گناه معمولی قابل قیاس نیست. از شراب خوردن، زنا کردن، احتکار و از همه اینها بدتر است. ۰۰۰" (کیهان ۱۵ بهمن)

ولی واقعیت چیز دیگری است.

علل تشدید مهاجرت روستائیان به شهرها را باید از جمله در ماده "واحد" مصوبه مجلس در ارتباط با موقوفات جستجو کرد که بر اساس آن نزدیک به يك میلیون هکتار از اراضی صاحب نسق از روستائیان کم زمین باز پس گرفته می شود (کیهان ۱۴ بهمن)

واقعیت را باید از شکوائیه اهالی روستای داشلی درق که می نویسند:

"فقدال معروف منطقه ما ۰۰۰ در حال حاضر دویار و باره سرو کله اش پیدا شده و ۲۰ هکتار زمین جوانه زده ما را زیر و رو کرده. ۰۰۰" (اطلاعات ۵ دی) دریافت.

واقعیت را باید از خلال نامه موسوی اردبیلی، که "مزاحمت" روستائیان، آرامش ایشان را برهم زده است، بیرون کشید:

"آنها (روستائیان) روزی ۵۰-۶۰ نفری مراجعه کرده و از ما زمینشان را می خواهند و بالاخره اینها مزاحم ما می شوند. ۰۰۰" (کیهان ۳ بهمن)

همین واقعیت ساده و روشن است که سرانجام حکم قطعی خود را در مورد کسانی که نادیده اش می گیرند، صادر خواهد کرد.

بحث طلاق، هنگام ازدواج!

کوشش حکام ج ۱۰ در توجیه نابرابریها و قوانین ظالمانه حاکم بر سرنوشت زنان میهن ما، داستان غمناک بدتر از گناه را به خاطر می آورد.

حجت الاسلام مقتدای، عضو و سخنگوی شورای عالی قضائی در يك مصاحبه رادیو تلویزیونی اظهار داشت:

"۰۰۰ قرار شد هرگاه طلاق به خواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه، تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظائف همسری و سوء رفتار با مرد نباشد، بر طبق قرار قبلی ما زوج موظف است حداکثر نصف دارائی موجود خود را که در ایام زناشویی به دست آورده به زوجه منتقل نماید" (اطلاعات ۶ بهمن ۶۲)

حال زنی که همسرش به طور يك جانبه تصمیم به طلاق دادن او گرفته و حتی اطلاع از قصد جدائی شوهرش برای او ندارد، چگونه می تواند عدم تخلف از انجام وظائف همسری و حسن رفتار خود را در دادگاه ثابت کند، مسئله اصلی نیست، زیرا آقای مقتدای می افزاید:

"این شق در مسودوی اعتبار دارد که در حین انجام عقد نکاح مطرح و به امضای هر دو نفر رسیده باشد" و از علما و فضلا و سردفتران می خواهد تا قبل از اجرای عقد، شرایط را بسبب طرفین تفهیم نمایند و تذکر دهند که توافق بر شرایط مندرج در عقده الزامی نیست!

طبق قوانین ارتجاعی ج ۱۰ پدران در مورد ازدواج دخترانشان تصمیم می گیرند و عقد صورت رضایت و اجازه آنان صورت می گیرد. بدیهی است زنانی که از حق تصمیم گیری مستقل در مورد زندگی و سرنوشت خود محرومند، قادر به تحمیل شرایط طلاق، آنهم در لحظه جاری شدن عقد، نخواهند بود.

با توجه به آداب و سنن جامعه ما، سن پائین ازدواج دختران در ایران و عدم استقلال اقتصادی آنان، طرح این مسئله حتی برای خانواده دختر نیز مقبول نیست. بدین ترتیب، حکام ج ۱۰ حقی را که زنان در اثر مبارزات گذشته خود به دست آورده بودند و پس از انقلاب پایمال شده بود به ظاهر با يك دست به زنان پس می دهند و با دست دیگر باز می ستانند.

تصحیح وپوزش

متأسفانه در شماره پیش "راه توده"، چند اشتباه چاپی و ضعیف رخ کرده که با پوزش از خوانندگان خود، خواهش می کنیم آنها را به صورت زیر تصحیح کنند:

خط دوم از پارگراف دوم صفحه ۴ ضمیمه راه توده (ویژه زنان): "بحران اقتصادی، توپ، احتکار، کمبود مواد اولیه، هزینه های سرسام آور زندگی. ۰۰۰"

سطر ۲۸ ستون دوم مقاله "کارنامه سیاه حاکمیت ج ۱۰ در پنجمین سالگرد انقلاب بهمن": "سرما یه داران ایران از جمله در سال ۶۱، ۲۸ میلیارد تومان سود خالص داشته اند. ۰۰۰"

پارگراف آخر ستون دوم صفحه ۱: "مجتبی فولاد اعواز استخدام می کند." در بالای همین ستون به چاپ رسیده است.

به آدمکشی پایان دهید! مردم صلح می خواهند!

بقیه از صفحه ۲

سران چ ۱۰۰ در این فاصله بارها و بارها وعده فتح کربلا و بغداد و سرنگونی صدام را داده اند، اما در عمل با تحمیل این جنگ فرسایشی خانمانسوز به مردم ایران، حتی دست آورد هایی را که زحمتکشان ایران در نخستین مرحله جنگ کسب کرده بودند برسرآورداد هاند .

ادامه توسعه طلبانه جنگ ایران و عراق به امپریالیسم آمریکا و حکومت اسرائیل فرصت داد که لبنان را اشغال کند و آزادی خواهان لبنانی و فلسطینی را به خون بکشد . صف ارتجاع منطقه را تقویت کند و حضور نظامی خویش را به عنوان حامی امنیت آبراه های بین المللی در مرزهای دریایی میهن ما تثبیت کند .

حکومت متزلزل صدام، در نتیجه ادامه جنگ موفق شد موقعیت خود را تثبیت کند و سرکوب نیرو های انقلابی عراق را گسترش دهد .

امروز مردم ایران روزانه ۳۲۲ میلیون تومان - هر خانوار پنج نفری ماهانه هزار و دویست تومان از دسترنج ناچیز خویش را - برای تأمین مخارج جنگ می پردازند . خسارات اقتصادی جنگ از مرز ۲۰۰ میلیارد دلار گذشته است - برای جبران این خسارات باید نیمی از منابع زیر زمینی نفت ایران به فروش برسد . بی گمان ادامه جنگ ، بازمانده این ثروت ملی را نیز به باد خواهد داد .

بیش از ۱۵۰ هزار نفر از مردم ما در این جنگ کشته شده اند و نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر زخمی و معلول شده اند . میلیون ها نفر از مردم ما در نتیجه جنگ بی خانمان و آواره شده اند . در هفته های اخیر با مهاجرت دسته جمعی مردم از شهرهایی که در خطر بیابان هستند ؛ صدها هزار نفر دیگر بر جمعیت آوارگان جنگ افزوده شده است . با وجود مانع نهاد های سرکوبگر رژیم این مهاجرت جمعی هم چنان ادامه دارد .

اما این هنوز همه واقعیت نیست . دردناک - تر از همه این که بزرگترین قربانی ادامه توسعه طلبانه این جنگ خانمانسوز انقلاب شکوهمند مردم ایران بوده است .

سران چ ۱۰۰ به بهانه جنگ از انجسام تحولات بنیادی سرپیچیدند و میدان را برای غارتگری بی بند و بار بازاریان و زمین داران گشودند . به بهانه پشتیبانی اقتصادی بازاریان از جنگ برای آنان اعتبار سیاسی تراشیدند ، و دفاع از محترکان و گران فروشان را به سیاست رسمی دولت تبدیل کردند .

ماه ها است که رهبران چ ۱۰۰ تورم و گرانی سرسام آور ، کاهش تولید ، افزایش بی رویه واردات کالا از کشورهای امپریالیستی ، بیکاری ، مهاجرت گروهی روستائیان به شهرها ، کمبود مایحتاج روزمره مردم و سایر مظاهر بحران عمیق اجتماعی -

اقتصادی را که ناشی از اتخاذ راه سرمایه داری و احیای نظام سرمایه داری وابسته است ، به مشکلات ناشی از جنگ نسبت می دهند . آنان به بهانه جنگ از افزایش دستمزد کارگران و حقوق نارزدان و افزایش بهای محصولات کشاورزی طفره می روند . و تأمین مسکن ، پزشک ، دارو ، مدرسه و نان و برق و آب برای مردم محروم را به پایان نامعلوم جنگ موکل می کنند .

احیای وابستگی تسلیم حاکم ارتش ایران به انحصارات اسلحه سازی امپریالیستی ، در ادامه روند نوسازی وابستگی اقتصادی ایران به اردوگاه امپریالیسم ، یکی دیگر از نتایج شوم ادامه جنگ ایران و عراق است . سالیانه میلیارد ها دلار اسلحه از آمریکا ، انگلستان ، آلمان فاسد رال ، ایتالیا ، اسپانیا ، کره جنوبی و حتی اسرائیل به چ ۱۰۰ سرانبر می شود و در میدان های جنگ به آهن پاره های سوخته تبدیل می شود . مسئولان چ ۱۰۰ که اینک تنها راه پیروزی در جنگ با عراق را جلب حمایت هرچه بیشتر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا می بینند ، هر هفته گام های تازه ای در همسویی و همکاری با سیاست های امپریالیستی ، از جمله برای جلب رضایت دول امپریالیستی به فروش سلاح های استراتژیک به چ ۱۰۰ ، که به گفته آقای هاشمی رفسنجانی " از نان شب هم برای ملت ما واجب تر است " بر می دارند .

چنانکه همه این واقعیات انکار ناپذیر شهادت می دهند ، جنگ فرسایشی و توسعه طلبانه ایران و عراق ، به مهم ترین دستاویز برای مسخ انقلاب شکوهمند مردم ایران تبدیل شده است .

خواست صلح ، باخواست نجات انقلاب پیوند می خورد

همه شواهد حاکی از آنست که حاکمیت چ ۱۰۰ سران دارد که این سیاست جنون آمیز و ویرانگر را همچنان ادامه دهد . در ماه های اخیر که با روی گردانی بیش از پیش مردم از جنگ ، کمبود نیروی انسانی در جبهه ها محسوس بوده است ، و تبلیغات عوام فریبانه رهبران چ ۱۰۰ کارایی خود را از دست داده است . فشار سازمان یاقتسه برای جمع آوری نیرو و گسیل اجباری به جبهه ها افزایش یافته است . مقامات انتظامی دستور - العمل های ویژه ای برای شکار مشمولین فراری صادر می کنند . معادین عراقی و آوارگان افغانی با فشار و اجبار به جبهه ها فرستاده می شوند . دوران خدمت نظام وظیفه به ۲/۵ سال افزایش یافته است ، و طبق مقررات جدید مسئولین می توانند سربازان منقضی خدمت را تا ۸ سال - به عنوان خدمت احتیاط - در ارتش نگاه دارند .

تحول تازه در جنگ ، که طی آن سربازان و رزمندگان شرافتمند ایران به آدم کشی سازمان یافته و گسترار بیپوده و ناجوانمردانه غیر نظامیان بی گناه عراقی مجبور می شوند ، پیشرای و تنفر مردم را از این جنگ خانمانسوز ، بیش از پیش افزایش می دهند .

در چنین شرایطی ، در حالی که حاکمیت چ ۱۰۰ به انتخاب خود ، سرنوشت خویش را بسا سرنوشت این جنگ بی سرانجام گره می زند ، و بقای خود را در ادامه و تشدید هر چه بیشتر این فاجعه ملی ممکن می داند ، مردم ما بیش از پیش به تجربه عینی به این نتیجه می رسند که پایان دادن به این جنگ خانمانسوز نیز تنها از عهده حکومتی بر می آید که نماینده راستین ائتلاف همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیست باشد . حکومتی که راه را برای به پایان بردن دیکتاتور و ظالمانه انقلاب شکوهمند بهمن نیز خواهد گشود .

معرفی کتاب

بقیه از صفحه ۷

چنین تأمین می شود .

در بخش دوم کتاب که خود شامل چندین فصل است سؤاله د مکرسی انقلابی معاصر در کشور های نواستقلال که به نظر نویسنده " یکی از مسائل مهم در تئوری و پراکتیک جنبش جهانی کمونیستی است " مورد بررسی قرار گرفته است . در این بخش از کتاب تجارب به دست آمد از فعالیت و عملکرد شخصیت های سیاسی و دمکرات های انقلابی " بسیاری از کشورهای نواستقلال که در آنها مبارزه به خاطر پیشرفت اجتماعی به صورت حادی بروز کرده است جمع بندی شده است . جدا از جنبه آموزشی این بخش از کتاب ، جنبه اطلاعاتی آن نیز بر گیرائی آن افزوده است .

در صفحات محدود " راه توده " امکان باز تاباندن بخش های بیشتری از اندیشه ها و تجارب انقلاب های رهایی بخش ملی در کشور های رشد یابنده نواستقلال وجود ندارد . مطالعه دقیق این کتاب که بر پایه صدها سند ، کتاب ، مقاله و غیره تألیف شده است و روند انقلاب های رهایی بخش ملی را در مرحله مبارزه به خاطر تحولات اجتماعی - اقتصادی از دیدگاه مارکسیستی بررسی می کند به خوانندگان " راه توده " در درک هر چه بیشتر و بهتر تحولات اخیر در میهن ما ، و سایه روشن هایی که همواره سیبر انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی کشور ما را همراهی می کرد یاری خواهد رساند .

ما به خوانندگان خود توصیه می کنیم این اثر ارزشمند را به دقت مطالعه کنند .

مخارج چاپ مجدد این اثر ارزنده ، توسط یک رفیق نوده ای پرداخت شد .

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی مردم ایران ، متحد شویم !

درباره قصاص، حدود و تعزیرات!

امروزه مطبوعات میهن زجر دیده و همبیت کشیده مان را که می خوانسیم، بی اختیار از دیدگان مان اشک جاری می شود، از چشمی اشک اندوه و حسرت و از چشم دیگر اشک تسخیر و صیرت! از سببی این همه قساوت و شقاوت، و از سوی دیگر این انداز به بلاهت و حماقت، همراه با جسارت و وقاحت.

در بسیاری از نقاط دنیا امروز مسلمانان متأسفانه هنوز درنده خویی و وحشی گری به چشم می خورند، اما هیچ جا را نمی توانیم سراغ بگیریم که در آن، مانند میهن نگون بخت ما، وحشی گری و قساوت به صورت قانون رسمی درآمده و با افتخار اعلام شده باشد. تازه ترین نمونه آن:

" جزئیات تازه ای از قوانین قصاص، تعزیر و حدود اعلام شد. قاضی با وجود شرط در سارق می تواند حکم به قطع عضو بدهد. (اطلاعات ۱۴ دی ماه ۱۳۶۲).

راندند های که بدون گواهی نامه رانندگی کند، ۷۴ ضربه شلاق می خورد. تازه به این قانون افتخار هم می کنند و آن را قانون خوبی هم می دانند، چون میان فقیر و غنی تبعیض قائل نشده است. پولدار و بی پول هر دو شلاق می خورند!

" زنانی که بدون حجاب شرعی در مجامع و نظار عمومی ظاهر شوند " ۷۴ ضربه شلاق می خورند. زجر و شکنجه این وحشی گری به کنار، زنی که چنین خواری و خفتی را تحمل می کند، چگونه می تواند عضو سالم و سر بلند اجتماع، زنی خوب و مادری شایسته باشد؟ می گویند این وحشی گری دوران جاهلیت با علوم نوین هم تطبیق می کند. چرا که " غلطی " عالیقدر ثابت کرده اند که از موی زنان اشعه ای ساطع می شود که سوسه های شیطان را در دل مردان بیدار می کند! مو که چنین باشد، تکلیف چشم و ابرو و لب و دندان - و به گفته شاعران: چاه زنخدان! - معلوم است. صدای زنان که خود مقوله دیگری است.

پس باید روسری را به دقت سر کرد، بعد مقنعه را، مثل زره گرد آفرید، به سر کشید و دهان را هم پوشاند، بعد چادر مشکی ضخیم - برابری استناد دارد مسجد جواد در مراسم ترحیم - را هم روی سر انداخت و آن زیر، به گفته جناب رئیس جمهور، نفس راحتی کشید و آزادی اسلامی را احساس کرد!

سپس می رسم به جرایم تصادفات و تومبیل و جرح و قتل غیر عمد. مرتکب باید دیده بدهد. " مقدار دیده قتل نفس هم عبارت است از ۱۰۰ شتر سالم بدون عیب یا ۲۰۰ رأس گاو و سالم بدون عیب یا ۱۰۰۰ رأس گوسفند سالم بدون عیب یا ۲۰۰ دست لباس سالم از حوله های معروف به یمن یا یک هزار دینار مسکوک یا ده هزار درهم مسکوک.

اینها را من نمی گویم، حجت الاسلام

در زندان، چطور می توان دزدی کند؟ اما درج ۱۰۰ همه راه ها به میدان اعدام ختم می شود.

روز گاری می گفتند که در عربستان سعودی مجازات قطع دست سارق را به شیوه مدرن اجرا می کنند. به این ترتیب که بیمار را به اتاق عمل می برند و بی هوش می کنند و جراح دستش را می برد. من شخصا با این به کارگرفتن دانش مدرن پزشکی در خدمت یک بربریت جاهل مخالفم. کار پزشکان پیوند زدن اعضای قطع شده است، نه قطع اعضای سالم. خدا را شکر که زعمای جهان به شیوه های مدرن الحاقاتی ندارند و همان شیوه کهن قطع دست با یک ضربه تبر و سپهر فر و بردن آن در روشن داغ برای جلوگیری از خونریزی را ترجیح می دهند. به این طریق، در این کار به عنوان یک " اثر هنری قرون وسطایی " هماهنگی قالب و محتوا، کاملاً رعایت شده است.

x ظاهراً باید " حله " باشد، یعنی: پارچه ابریشمی.

مردم مترقی جهان: صدور احکام علیه افسران

بقیه از صفحه ۵

خلق ایران (اکثریت) در شیناگو. هواداران حزب توده ایران در شیکاگو. حزب سوسیالیست پورتوریکو.

در این روز، مراسمی نیز به همین مناسبت در شهر نیویورک برگزار گردید. در این جلسه درباره فشار و تضییقات وارده به حزب توده ایران و نیز تشکیل محاکمات در رسته نظارت تهران توضیحات مبسوطی ارائه شد. سخنرانان اصلی جلسه، جیمیز جکسون، دبیر کمیته مرکزی و عضو هیأت سیاسی حزب کمونیست آمریکا، فیروز احمد مبارز پاکستانی، عضو " تشکل دمکراتیک پاکستان " و استاد جامعه شناسی بودند که طی سخنان خود، ضمن ابراز تأسف از رویدادهای اخیر ایران، فشار و اختناق لجام گسیخته در مورد نیروهای مترقی به ویژه اعضای حزب توده ایران، وظیفه حاد را که دمکراتهای جهان در رابطه با دفاع از مبارزین در بند بر عهده دارند، خاطر نشان ساختند و آزادی آنان را خواستار گردیدند. نمایندگان حزب کمونیست جمهوری دمیونیکن - شاخه آمریکا - کمیته گویان آزاد، هواداران جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و سازمان جوانان دمکرات فلسطین نیز پیامهایی در این رابطه قرائت کردند.

آنگاه شرکت کنندگان در مراسم قطعنامه ای در محکومیت اعمال وحشیانه ج ۱۰ در قبال مبارزین دگر اندیش و خصوصاً اعضای حزب توده ایران صادر کردند و جلسه با شعارهای همبستگی با حزب توده ایران به پایان رسید.

پذیرایی رئیس دادگاه کیفری می گوید. باز اگر می گفتند راننده متخلف باید به کسی که با او تصادف کرده، یک پیکان سالم بدون عیب بدهد، یک حرفی اما ۱۰۰ شتر و ۲۰۰ گاو و ۱۰۰۰ گوسفند زکجا پیدا رود؟ اگر این همه شتر و گاو و گوسفند، آن هم سالم و بی عیب در ایران وجود داشت که ما به خودکفایی دائمی پرووری رسیده بودیم.

ضرب و جرح عمدی، اگر شخص باشد، کار راحت است. مثلاً یکی دست دیگری را از مچ یا آرنج قطع کرده. ضروب جق دارد دست ضارب را از مچ یا آرنج ببرد. حال فرض کنید که من، زبا نم لال، با چاقو شکم شما را به طول ۲۰ سانتی متر و به عمق دو سانتی متر و هفت میلی متر پاره کرده ام. چاقورا می دهند دست شما. اما شما که جراح متخصص نیستید. امکان دارد شکم مرا به جای دو سانتی متر و هفت میلی متر، دو سانتی متر و هشت میلی متر پاره کنید. اینجا است که عدالت اسلامی جریحه داری شود و به فریاد روی آید! آقایان از کشتن کودکان خردسال و زنان آبستن ابایی ندارند، اما این یک میلی متر را تحمل نمی کنند! پس چاره چیست؟ باردیگر سروکله شتر و گاو و گوسفند پیدا می شود.

به شما اطمینان می دهم که هرگز چاقو کشی و آدم کشی نکنم. نه چون کار بدی است یا از آن وحشت دارم. وحشت ما از این است که صد شتر و دو بیست گاو و هزار گوسفند سالم بدون عیب زکجا پیدا کنیم؟ گیرم که پیدا کردم اما طرف بهانه گیر بود و گفت که مثلاً یکی از شترها کوها نش کج است یا یکی از گاو ها شاخ راستش کوتاه تر از شاخ چپش است. از گاو و گوسفند که بگذریم. دو بیست دست لباس سالم از حوله های معروف به یمن از کجا پیدا کنیم؟

اگر به فرشتگای بروم و سراغ حوله های معروف به یمن را بگیرم یا به بانگ بروم و گویم آقا، لطفاً این اسکناس ها را از من بگیر و به جایش دینار مسکوک و درهم مسکوک بده، بلافاصله تلخن می زند به بیمارستان روانی که این بابا عقلش پارسنگ بر می دارد، زود بیاید بیدارش!

و حال می رسم به حدسارق که: عیارت است از: ۱- در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق. ۲- در مرتبه دوم قطع قسمتی از قدم پای چپ سارق. ۳- در مرتبه سوم سارق محکوم به حبس ابد می شود و در مرتبه چهارم اگر چه در زندان دزدی کند، حدش اعدام است. آخرین بدبخت بی دست و پا، آن هم



وضع در لبنان حادث شده است

لبنان روزهای دشواری را از سر می گذارند. در پیروت زد و خورد میان ارتش و فالانژیست ها از يك سو و نیروهای میهن دوست لبنانی و فلسطینی از سوی دیگر ادامه دارد.

شفیق وزان، نخست وزیر لبنان در پی اوج گیری زد و خورد ها استعفا داد. کوشش برای تشکیل دولت جدید به نتیجه ای نرسیده است. ولید جنبلاط و زهیر سازمان امل خواستار برکناری امین جمایل رئیس جمهور لبنان شده اند. آنان استعفای جمایل را شرط برقراری صلح و آرامش در لبنان می دانند. نیروهای ملی و میهنی لبنان که بخش های اساسی غرب پیروت را تحت کنترل خود دارند، تشکیل یک دولت وحدت ملی را خواستار شده اند.

رشید کرامی، نخست وزیر پیشین لبنان گفته است:

"گسترش کنونی بحران سیاسی و نظامی لبنان، قبل از هر چیز ناشی از فشار فزاینده آمریکا و اسرائیل است."

وی می افزاید: "ما خواستار حل سیاسی مسئله لبنان و گفتگو بین تمام نیروهای ملی هستیم و تحکیمات آمریکا و اسرائیل را قویا محکوم می کنیم. خواهیم به ما حق داده شود خود، سرنوشت خویش را تعیین کنیم."

اوج بحران سیاسی در لبنان که پایه های رژیم فالانژیست ها را لرزان تر ساخته و باعث تقویت نیروهای مردمی و میهنی لبنان را سبب شده است، نشان شکست کامل نقشه آمریکایی حل و فصل بحران و موافقت با ۱۷ ماهه سال ۱۹۸۳ است که آمریکا و اسرائیل به لبنان تحمیل کرده اند.

آمریکا در این بین، متفکدان دربرای خود را که از ناحیه فرودگاه پیروت مستقر بودند، به ناوهای ناوگان ششم آمریکا که در سواحل پیروت مستقرند، انتقال داده است. ولید جنبلاط، پیرامون این اقدام آمریکا گفت:

"این اقدام حلیه ای بیش نیست، منظور از این حلیه سرپوش گذاشتن به توسعه ابعاد جنگ اعلان شده علیه مردم لبنان است."

بنگلادش به ایالات متحده آمریکا پایگاه نظامی می دهد

اخیرا فاش شد که ژنرال ارشاد، فرمانبروی نظامی و رئیس جمهور کودتاجی و خرد خواننده بنگلادش، به هنگام سفر چندی پیش خویش به واشنگتن، موافقت کرده است پنتاگون یک پایگاه نظامی دائمی در جزیره "سنت مارش" ایجاد کند و ناوگان هفتم آمریکا از بندر "چیتا گنگ" استفاده نماید.

انتشار این خبر، نگرانی زیادی در هند وستان و دیگر کشورهای جنوب آسیا ایجاد کرده است. این گونه "خیالات" ژنرال ارشاد، دوست صمیمی حاکمیت ج ۱۰، با منافع ملی و همچنین مصیبت بنگلادش در جنبش کشورهای غیر متعهد مغایرت کامل دارد.

قبل از همه دولت هند وستان، همسایسه دیوار به دیوار بنگلادش نمی تواند نسبت به تحقق این نقشه های خطرناک بی تفاوت بماند. یکی از اعضای برجسته وزارت دفاع هند وستان طوسی صاحب های در کلکت، تأکید کرد قرارداد ن پسیگاه نظامی در اختیار ایالات متحده توسط بنگلادش صلح و امنیت منطقه را تهدید می کند و مانع جدی بر سر راه تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح است.

تاریخچه دخالت های فرانسه در چاد

از استقلال کشور چاد در سال ۱۹۶۰ تا به حال پانزده سال است که امریالیسم فرانسه در امور داخلی این کشور مداخله می کند. در سال ۱۹۶۸، چتر بازار فرانسوی برای سرکوب قیام در منطقه "تیبستی" وارد چاد شد. این نخستین مداخله منجر به تحمیل قرارداد دفاع مشترک به مستعمره سابق فرانسه گردید.

در آغاز سال ۱۹۶۹ که قیام گسترش پیدا کرد، تعداد سربازان فرانسوی به ۲۵۰۰ تن افزایش یافت. به علاوه هزار سرباز از لژیون خارجی نیز در پیکار علیه جبهه آزادی بخش چاد شرکت داشتند. نخستین مرحله مداخله به طور رسمی در اوت سپتامبر ۱۹۷۲ پایان یافت ولی تخلیه سربازان تا سال ۱۹۷۵ ادامه داشت.

در ژوئن سال ۱۹۷۷ سربازان فرانسوی از نو وارد چاد شدند. در مدتی کمتر از یکسال تعداد آنان به سطح مداخله قبلی رسید. اشغال مجدد چاد در سال ۱۹۸۰ پایان یافت. مرحله کنونی مداخله نظامی در چاد که آنرا عملیات "مانتا" نامگذاری کرده اند در واقع باید "مانتا ۳" نامیده شود.

تاریخچه دخالت های فرانسه در چاد، به هر بهانه ای که انجام گرفته باشد، یک مسئله را روشن می کند: چاد برای فرانسه هم از نظر اقتصادی اهمیت دارد و هم به خاطر نفوذ سیاسی و در کشورهای استوایی آفریقا و حضور نظامی در آن کشورها از این رو فرانسه حاضر است در چاد از هر رژیمی که منافع استراتژیکی اش را محافظت کند پشتیبانی نماید.

توطئه سرمایه داران با هوشیاری کارگران شکست خورد

توطئه با یکوت اقتصادی که از سوی سرمایه داران بولیوی چیده شده بود با مقاومت کارگران به شکست انجامید. سرمایه داران بولیوی با اجرای این توطئه بر آن بودند که دولت قانونی این کشور را تضعیف کنند و سیلس مواز و راسرنگون سازند. سخنگویان اتحادیه های کارگری بولیوی اعلام کردند که ارتجاع کوشی داشت با خواباندن ۴۸

ساعت تولید، کارگران را به اشغال کارخانه ها و ادار سازند و آنها را به انجام اقدامات تشنج آمیز، تحریک کند. آنان سعی داشتند با اینگو اقدامات، نظامیان را به انجام کودتا علیه دولت قانونی کشور ترغیب کنند. این توطئه، هوشیاری زحمتکشان بولیوی با شکست مواجه شد.

واقعیات نگرانی آور

در چهلین نشست کمیسیون سازمان ملل متحد برای حقوق بشر که در ژنو جریسان در ا گرفته شد:

"در کره زمین، هر روز چهل هزار کودک گرسنگی می میرند، و در کشورهای جهان، هر سال ۸۰۰ میلیارد دلار برای هزینه های تسلیحات صرف می شود."

پشت این دو رقم، نگرانی عمیق جامعه بشری در مورد مسائل حاد نهفته است.

به هنگام گشایش جلسات، الارا اتو، نماینده "اگاندا" و رئیس د راهی کمیسیون به طو مفصل پیرامون وضع فلاکت بار اقتصادی و اجتماع در بسیاری از کشورهای جهان صحبت کرد و گفت "زندگی برای میلیونها انسانی که در کره زمین می زیند، به یک مبارزه غیر قابل تحمل با منظور حفظ حیات خود بدل شده است. گرسنگی بیکاری و فقر، مسائل عمده دنیای معاصر ر تشکیل می دهند که تنها منحصر به کشورهای در حال رشد نیست بلکه کشورهای رشد یافته سرمایه داری را هم در برمی گیرد."

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!
رفقای هوادار حزب توده ایران در دارمشتات (آلمان فدرال) هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

تذکر
هزینه چاپ یک شماره "راه توده" از جانب رفقای دارمشتات مدتها پیش تأمین شده بود.

RAHE TUDEH
No. 80
Friday, 17. Feb 84
Address: **Winfried Schwarz**
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	Italy	600	L.
France	U.S.A.	50	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.